

بانک مرکزی می‌تواند به افزایش فعالیت‌ها در بازار مالی موازی (سپاه یا زیرزمینی) بینجامد.

● آقای دکتر! لطفاً بفرمایید که به‌طور کلی، تصمیم اخیر شورای پول و اعتبار چه آثاری بر عملکرد سیستم بانکی دارد؟

○ من عقیده دارم که کاهش نرخ بهره اثر چندانی بر عرضه و تقاضای تسهیلات نمی‌گذارد و اگر اثر بگذارد، قابل ملاحظه نیست و نمی‌دانم که شورای پول و اعتبار با چه توجیهی اقدام به کاهش نرخ سود بانکی کرده است.

● مجدداً از جنابعالی تشکر می‌کنیم.

رابطه سیاست پولی با عرضه و تقاضای بازار

دکتر وحید فراتی کاشانی

□ اشاره

در محافل اقتصادی، به‌طور کلی، سه نوع عقیده و نظر در مورد دخالت بانک‌های مرکزی در بازارهای پولی و مالی از طریق سیاست پولی وجود دارد:

۱- بعضی از اقتصاددانان بر این عقیده می‌باشند که بانک مرکزی بایستی مداوماً در بازارها دخالت کند و به وسیله تغییر نرخ بهره، ابزار سیاست پولی، نرخ‌های بازار تأمین مالی را تحت تأثیر قرار دهد.

۲- برخی دیگر معتقد هستند که نیابستی دخالتی صورت گیرد، زیرا عوامل بازار با توجه به واقعیت‌ها و اطلاعات موجود در اقتصاد، قیمت (نرخ) را تعیین می‌کنند و بازار در حالت تعادل می‌باشد و یا به حالت تعادل می‌رسد.

۳- در این گروه، اقتصاددانانی وجود دارند که به توانایی نیروهای بازار برای ایجاد تعادل معتقد می‌باشند، اما در موقعیت‌های خاص دخالت بانک مرکزی را ترجیح می‌دهند.

مقاله زیر سعی دارد با در نظر گرفتن مطالب فوق، برای نایل شدن به رشد اقتصادی و حل مشکلات، راه حل مناسبی را برای تعیین نقش بانک مرکزی در بازارهای پولی ارایه نماید.

مسئولان بانک‌های مرکزی معمولاً ادعا نمی‌کنند که باهوشتر از عوامل بازار هستند و شرایط اقتصادی را بهتر می‌سنجند. روسای بانک مرکزی اروپایی نیز از این امر مستثنا نیستند. مثلاً آنها در جلسه خود در ماه فوریه سال ۲۰۰۰ علیرغم نوسانات نرخ سهام در بازارهای مالی، اظهار نظری در این مورد نکردند.

بدون تردید، تواضع از خصوصیات خوب است، ولی نمی‌بایستی مسئولان بانک‌های مرکزی و سیاست‌گذاران اقتصادی برای حل مشکلات بر این اساس رفتار کنند. در ۱۰ تا ۲۰ سال گذشته ممکن بود که قبول کنیم قیمت‌ها (نرخ بهره) در بازار مالی نتیجه عوامل اقتصاد کالایی

(واقعی) می‌باشند، اما در حال حاضر، شرایط عوض شده است. امروزه مشخص است که اقتصاد کالایی نیز تحت تأثیر بازارهای پولی قرار دارد.

یادگیری علم اقتصاد که اکثر مسوولان بانک‌های مرکزی آن را تحصیل کرده‌اند، باعث می‌شود که آنها در مقابل قوانین بازار کوتاه بیایند. در بازارهای مالی باز و دارای نقدینگی، اطلاعاتی که به وسیله عرضه و تقاضاکنندگان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، در کل، بیش از اطلاعاتی است که یک شخص محقق و تجزیه و تحلیل‌کننده (Prognostiker) مسایل اقتصادی در اختیار داشته و مورد استفاده قرار می‌دهد. علاوه بر این، در بازارهای بورس کشورهای غریب، اعتقاد بر این است که هر چیزی که در مورد آینده می‌باشد (یعنی اتفاقات آتی)، در نرخ‌های کنونی در نظر گرفته شده است. مثلاً امکان دارد که قبل از پایان سال مالی شرکت‌های سهامی، سرمایه‌گذاران (خریداران سهام) حدس بزنند که سود شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند. از این جهت، تقاضا برای سهام شرکت‌های موفق زیاد شده و در نتیجه، قیمت سهام افزایش می‌یابد. پس از انتشار صورت‌های مالی (ترازنامه و صورت سود و زیان) دیگر قیمت سهام افزایش چندانی پیدا نمی‌کند، و یا اینکه مثلاً ممکن است چند ماه قبل از پایان سال عده‌ای در بازار بورس بر این عقیده باشند که فروش کالاها در آخر سال افزایش می‌یابد. بنابراین، سهام فروشگاه‌های بزرگ را که به صورت شرکت سهامی اداره می‌شوند، خریداری می‌کنند. این افزایش تقاضا، باعث بالا رفتن قیمت سهام می‌شود. در آخر سال، علی‌رغم بالا رفتن سطح درآمد شرکت‌ها در اثر افزایش فروش کالاها، قیمت سهام افزایش زیادی پیدا نخواهد کرد، زیرا قبلاً افزایش داشته است. البته امکان آن نیز وجود دارد که

انتظارات برآورده نشوند و حدس شرکت‌کنندگان در بازار به حقیقت نپیوندد. در این حالت، ممکن است که نرخ‌های سهام کاهش یابند و یا اینکه به دلیل انتظارات بعدی در

○ امروزه مشخص شده است که اقتصاد کالایی نیز تحت تأثیر بازارهای پولی قرار دارد.

○ بانک مرکزی معمولاً دارای الفق و بسراورد زمسانی بلندمدت و هم‌چنین ابزار سیاست پولی مؤثر است و به وسیله آن‌ها می‌تواند بازارهای مالی را مجبور سازد که برای داده‌های اقتصادی کالایی (واقعی) اهمیت بیشتری قابل شوند.



همان سطح بالا باقی بمانند.

علاوه بر موضوع فوق، تجربه نشان داده است که نرخ‌های بازار بورس به‌طور صددرصد قابل پیش‌بینی نمی‌باشند. به عنوان مثال، کافی است که میزان بوقوع پیوستن پیش‌بینی‌ها درباره قدرت خرید پول اروپایی جدید یورو (Euro) و نرخ تبدیل آن با دلار را مورد بررسی قرار دهیم. قبل و تا هنگام ایجاد یورو عده زیادی از اقتصاددانان و سیاستمداران بر این عقیده بودند که به دلیل وسعت جغرافیایی، تعداد جمعیت و همچنین توانایی تولید کشورهای عضو سیستم پولی یورو، این پول قویتر از دلار خواهد بود و از این جهت، به عنوان ذخیره پولی بین‌المللی جایگزین دلار خواهد شد و نرخ تبدیل آن هم تا حدود ۱/۲۵ دلار برای هر یورو پیش‌بینی می‌شد. اما این موضوع بوقوع نپیوست و حتی نرخ برابری یورو با دلار تا سطح کمتر از ۰/۹۰ دلار برای هر یورو رسید.

علی‌رغم توانایی بازار برای تعیین قیمت‌ها می‌بایستی در نظر داشت که دلیلی وجود ندارد که فقط به نرخ‌ها (قیمت‌ها) که در بورس تعیین و اعلام می‌شوند، توجه کرد و آن را منطبق با نتیجه اقتصاد کالایی (واقعی) دانست. به دلیل اینکه نرخ‌ها به‌طور کلی براساس ارزش دادن به عوامل تأثیرگذار متضاد در بازار تعیین می‌شوند، بنابراین، همیشه دلایلی وجود دارند که به کمک آنها می‌توان جهت و یا علت تغییرات نرخ‌ها (قیمت‌ها) را در گذشته توجیه کرد و توضیح داد. یعنی می‌توان بررسی کرد که به چه دلیل در گذشته نرخ‌ها افزایش و یا کاهش داشته‌اند. بررسی متغیرهای اقتصادی کشورهای صنعتی نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه در سالیان متممادی اطلاعات و داده‌های پایه‌ای و اساسی اقتصادی و سیاسی تغییرات کمی داشته‌اند، اما نرخ ارزهای مارک آلمان، ین ژاپن و دلار آمریکا دارای نوسانات قوی و زیادی بوده‌اند. بازار اوراق قرضه در اروپا و آمریکا فقط یک بار در اواسط و یک بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ نوسانات شبیه تغییرات نرخ‌های ارز را دارا بوده‌اند. و این حالت با ادعای اینکه در بازارهای مالی تنها اطلاعات راجع به اقتصاد کالایی (واقعی) مبنای ملاک تعیین قیمت قرار می‌گیرند، هماهنگ نمی‌باشد، زیرا بازارها خصوصیات و رفتارهای مخصوص خود را دارند.

بایستی توجه داشت که عوامل کمی وجود دارند که می‌توانند بازارهای مالی را مجبور سازند که از قوانین بازار پیروی نکنند و همچنین، اطلاعات و داده‌های اساسی و پایه‌ای اقتصادی (اقتصاد کالایی) را بیشتر مورد توجه قرار دهند. شخص سرمایه‌گذاری که بر این عقیده است که نرخ بازار دور از واقعیت اقتصاد تعیین می‌شود، بایستی در نظر داشته باشد که آیا او پول خود را در یک حرکت متضاد و مخالف جهت بازار سرمایه‌گذاری می‌کند یا خیر؟ اگر شخصی مثلاً در زمانی که شاخص بازار بورس ژاپن برابر ۳۰۰۰۰ است، با امید اینکه بازار سیر نزولی داشته و

سقوط خواهد کرد، در این بازار، به صورت معامله براساس «اختیار معامله» (Option) سرمایه‌گذاری کند و یا اینکه سهام خود را بفروش برساند، حتماً ضرر خواهد کرد، زیرا قیمت سهام افزایش یافته است. و یا مثلاً سالیان زیادی نظر شخص سرمایه‌گذاری که در سال ۱۹۸۲ نرخ ۲/۵ مارک برای دلار را گران می‌دانست و انتظار کاهش آنرا داشت، و یا نظر شخصی که در اواسط سال ۱۹۹۲ نرخ ۱/۵ مارک را برای هر دلار ارزان می‌پنداشت و منتظر افزایش آن بود، درست نبود، زیرا در حالت اول، نرخ دلار مدت مدیدی بیش از ۲/۵ مارک بود و در حالت دوم، نرخ دلار حتی تا حدود ۱/۳۸ مارک برای هر دلار هم کاهش پیدا کرد.

اکثراً مشاهده می‌شود که تغییرات و نوسانات نرخ‌ها در بازار بورس نمونه و تکراری از گذشته می‌باشد. تجربه همچنین نشان می‌دهد که اگر تغییر مداوم و به قدر کافی چشمگیر و دارای روندی باشد، غالباً بهتر است که روی ادامه این روند حساب کرد. سرمایه‌گذاری و عمل برخلاف جهت این روند می‌تواند باعث ضرر شود. این موضوع حتی زمانی که اکثریت شرکت‌کنندگان در بورس معتقد هستند که با در نظر گرفتن اطلاعات و واقعیات در اقتصاد جهت و روند تغییرات نرخ‌ها درست نیست، صدق می‌کند، مانند تغییرات نرخ پول اروپایی یورو به دلار که علی‌رغم پیش‌بینی‌ها و رشد اقتصادی در حوزه پولی یورو، از مقدار ۱/۱۸ در ماه فوریه سال ۱۹۹۹، به مقدار ۰/۹۷ در فوریه سال ۲۰۰۰ و به سطح ۰/۹۱ در فوریه سال جاری کاهش یافت.

در بازارهای پولی و مالی، شرایط مالی و چهارچوب کلی برای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید و مصرف به وسیله تعیین قیمت و نرخ مشخص می‌شوند. از این جهت، بایستی سعی شود که نرخ‌های بازار رابطه نزدیکی با ارقام و داده‌های اقتصاد ملی داشته باشند. یک شرکت‌کننده در بازارهای تأمین مالی به تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد، زیرا افق و برآورد زمانی او معمولاً تا صورت‌های مالی بعدی می‌باشد و همچنین Benchmarking، یعنی محک زدن و مقایسه دایمی نتیجه فعالیت خود با فعالیت رقبای دیگر، سرمایه‌گذاران و عرضه‌کنندگان سرمایه را وادار می‌سازد تا جهتی را که همه حرکت می‌کنند، دنبال نمایند.

باتوجه به مطالب فوق، اگر در یک دوره زمانی این عقیده حکمفرما بشود که بازارهای مالی در یک موقعیتی (Phase) قرار دارند که در آن موقعیت، اطلاعات و داده‌های اساسی و پایه‌ای اقتصاد کالایی دیگر نقش زیادی در تعیین نرخ ندارند، می‌بایستی بانک مرکزی در بازار دخالت کند. بانک مرکزی معمولاً دارای افق و برآورد زمانی بلندمدت و همچنین ابزار سیاست پولی مؤثر می‌باشد که به وسیله آنها می‌تواند بازارهای مالی را مجبور سازد که اهمیت بیشتری برای داده‌های اقتصاد کالایی

○ فسقط درخواست
اعتماد کردن کافی
نیست، بلکه بانک
مرکزی نباید بنا
بر آوردهای قانع‌کننده
خود، آثار برآوردهای
غلط در نرخ‌های بازار
را تصحیح کند.



بلندمدت - اعطا می‌شوند. لذا هنگام تغییر حداقل نرخ سود بانک‌ها و حداقل نرخ سودآوری تسهیلات، بانک مرکزی بایستی مدت تسهیلات را هم در نظر بگیرد تا در توسعه و رشد اقتصادی خللی وارد نشود. به دلیل اینکه نرخ‌های مذکور تعیین شده برای کل مدت تسهیلات ثابت می‌باشد و اعطای تسهیلات براساس مقایسه حداقل نرخ سودآوری با نرخ سودآوری پروژه (مورد انتظار) صورت می‌پذیرد، بنابراین، افزایش نرخ‌های فوق در تسهیلات بلندمدت می‌تواند افزایش قیمتی را برای مدت زیادی باعث شود. همچنین، امکان آن وجود دارد که طرح‌هایی که نرخ سودآوری آنها کمتر از حداقل نرخ سودآوری تعیین شده می‌باشد، در آینده و در اثر گذشت زمان و تغییر شرایط بازار توجیه اقتصادی خود را از دست بدهند و از این جهت، نتوان علی‌رغم کاهش حداقل نرخ سود در آینده در این طرح‌ها سرمایه‌گذاری کرد. از این جهت، اصلح است که نرخ سود تسهیلات بلندمدت کمتر دچار تغییر و نوسان شود و برای تعادل بازار و اجرای سیاست پولی، نرخ تسهیلات کوتاه مدت تغییر پیدا کند. این موضوع در مورد تعیین نرخ سود سپرده‌های مشتریان نیز صدق می‌کند، زیرا بعد از انعقاد قرارداد سپرده‌های سرمایه‌گذاری نرخ سود برای تمام مدت سپرده‌گذاری ثابت می‌ماند و ممکن است که بانک ملزم به پرداخت مبلغ سود بیشتری شود. به دلیل مشکل ثبات نرخ بهره در بلندمدت، در چند سال اخیر در بازارهای تأمین مالی کشورهای غربی نرخ بهره متغیر برای تسهیلات بانکی متداول شده است.

قابل توجه می‌باشد که حتی زمانی که شفافیت سیاست پولی و کیفیت دلیل و برهان بانک‌های مرکزی برای شرکت کنندگان در بازار نقطه مبهمی باقی نگذاشته باشد، این امکان وجود دارد که بازارها در جهت بقیه در صفحه ۴۵

واقعی) قابل شوند. البته قابل توجه می‌باشد که بانک مرکزی نمی‌بایستی به صورت فرمان دهنده در بازار دخالت کند. اولین قدم برای هدایت بازار در جهت مورد نظر این است که نیروهای بازار (نظر عرضه و تقاضا کنندگان سرمایه) را با اهمیت دانست و از بحث‌های آزاد در مورد چگونگی روند و انتظارات بازار نهراسید.

به‌طور مثال، اگر در بازار مالی ترس از افزایش قیمت‌ها و تورم در آینده بوجود آید و این ترس باعث روند فزاینده نرخ بهره و درآمد اوراق قرضه^۲ و یا روند کاهش ارزش پول کشور (افزایش نرخ ارزهای خارجی) شود، این سؤال بایستی برای بانک مرکزی بوجود آید که آیا این بانک واقعاً سیاست پولی انبساطی داشته و یا اینکه نیروهای بازار این برداشت را داشته‌اند که سیاست بانک مرکزی انبساطی بوده است. در حالت اول، مسوولان بانک مرکزی می‌بایستی نرخ بهره و یا نرخ سود ابزار سیاست پولی خود (مثلاً تسهیلات به بانک‌ها از طریق عملیات بازار آزاد و یا تنزیل مجدد) را افزایش داده و سیاست پولی انقباضی را انتخاب کنند. در حالت دوم، بایستی آنها از خود سؤال کنند که تفاوت در برآوردها به چه دلیل و در کدام قسمت بوده است؟ سعی کنند که با دلیل و برهان نیروهای بازار را در مورد چگونگی برآورد خود قانع سازند، زیرا فقط تقاضای اعتماد شرکت کنندگان در بازار نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت، بلکه بانک مرکزی باید به وسیله برآوردهای قانع کننده برآورد غلطی را که اثر خود را در نرخ‌های بازار نشان داده است، برطرف سازد. البته شایان ذکر می‌باشد که از نظر در اختیار داشتن و دستیابی به اطلاعات، بانک‌های مرکزی نسبت به نیروهای بازار برتری دارند، زیرا سیاست پولی و تغییر نرخ بهره این بانک‌ها نقش هدایت کننده و مهمی را در بازارهای مالی ایفا می‌کند، یعنی بانک‌های مرکزی از تغییر سیاست پولی خود در آینده مطلع هستند و برنامه‌ریزی می‌کنند، در حالی که نیروهای بازار بعد از اعلام و کاربرد سیاست پولی از آن مطلع می‌شوند.

اگر بانک مرکزی در قانع کردن نیروهای بازار موفق نشود و یا اینکه اهمیتی برای برداشت و پیش‌بینی شرکت کنندگان در بازار قابل نشود، این خطر وجود دارد که پیش‌بینی تورم و کاهش ارزش پول به وقوع بپیوندد. در این صورت، بایستی بانک مرکزی تابع نیروهای بازار شده و نرخ بهره را افزایش دهد، مانند بانک مرکزی اروپا که در اوایل ماه فوریه سال ۲۰۰۰ به اجبار نرخ بهره را افزایش داد.

با در نظر گرفتن اینکه در سیستم بانکداری اسلامی نرخ سود منابع و مصارف بانک‌ها توسط بانک مرکزی تعیین می‌شود، بایستی این بانک در اجرای سیاست انقباضی، نرخ سود منابع و مصارف بانک‌ها را افزایش دهد. از جهت اینکه تسهیلات بانکی مستقیماً برای فعالیت‌های اقتصادی با مدت‌های متفاوت - از کوتاه تا

دارالترجمه رسمی ۱۱۱ ایستاتیس ۲

ترجمه فوری و رسمی به کلیه
زبانهای آلمانی، انگلیسی،
فرانسه....

فلکه دوم صادقیه - مجتمع تجاری شیری -
طبقه همکف

تلفکس ۰۹۲۶۱۴

○ دخالت بانک مرکزی در بازارهای پولی و مالی، سوءاستفاده از قدرت و اطلاعات نیست، بلکه استفاده صحیح از قدرتی است که در اختیار بانک‌های مرکزی گذاشته شده است.

نقش تجزیه و تحلیل‌های مالی در کاهش مطالبات معوق بانکها

رقیه دلجوئی - سید احمد غروی نخجوانی

مختلف اقتصادی به شیوه‌ای مناسب و شایسته صورت نمی‌گیرد و نتیجه آن نیز چیزی جز اتلاف منابع ملی و افزایش هزینه‌های مطالبات معوق و سوخت شده بانک‌ها نیست.

صرف نظر از اینکه وام گیرندگان چه نوع و چه مقدار از موانع دیوانسالاری را برای دریافت تسهیلات اعتباری پیش روی دارند، به نظر می‌رسد که اعطای وام‌های بانکی در کشور کمتر تابع ضوابط مالی بوده و با لاقفل روش‌های سنجش قابلیت‌های درخواست کنندگان وام نامناسب بوده است. نگاهی به روند مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک‌های کشور در نمودار شماره یک نشان می‌دهد که این مطالبات همواره روند فزاینده‌ای داشته‌اند. نتیجه آنکه نظام بانکی کشور در سال ۱۳۷۸ با بیش از هشت هزار میلیارد ریال مطالبات معوق و سررسید گذشته مواجه بوده است. اگرچه ممکن است تصور شود که دلیل افزایش خیره کننده مطالبات معوق و سررسید گذشته بانک‌ها، همانا بالا رفتن احتمالی حجم تسهیلات اعطایی آنها باشد، ولی نمودار شماره دو موید این است که نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به کل تسهیلات اعتباری بانک‌های کشور، به گونه چشمگیری در حال افزایش است، به طوری که این نسبت از ۱ درصد در سال ۱۳۶۸، به ۶ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده است.

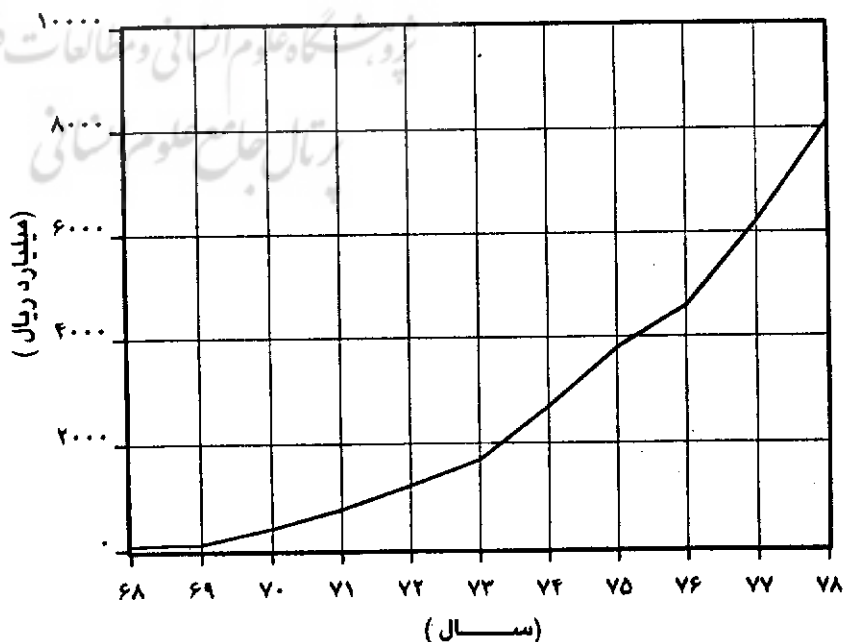
بر این اساس، اطلاعات و آمارهای موجود که از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف استخراج شده، چنین نشان می‌دهد که منابع مالی زیادی از وجوه خارج شده از بانک‌ها دیگر به نظام بانکی بازنگشته است و حتی اگر به طور خوش بینانه فرض شود که بانک‌ها روزی بتوانند مطالبات یاد شده را وصول کنند، هزینه فرصت راکد ماندن این منابع هشداردهنده خواهد بود، حال آن که افزایش نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به مجموع تسهیلات اعتباری بانک‌ها نماد این پدیده است که امکان سنجی وام‌دهی به بخش‌های اقتصادی ناموفق بوده است و به همین

اعتباری باید با چه ملاک و الگویی به بخش‌های مختلف اقتصاد کشور منتقل شود؟ این مسأله در کشوری همچون ایران که با کمبود منابع مالی مواجه است و از نیمه دوم دهه ۷۰ برای مهار تورم لجام‌گسیخته، سیاست‌های انقباضی و شبه‌انقباضی پولی اعمال شده^۲ و پس اندازها و پول‌های در دست مردم صرف خرید اوراق مشارکت و پیش‌پرداخت معاملات سوداگرانه اتومبیل و تلفن همراه و... شده است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

در حقیقت، لازم است بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دقت خاصی را در تخصیص وام‌های خود به بخش‌های مختلف کشور به خرج دهند تا از اتلاف منابع مالی پرهیز شود و علاوه بر این، سرمایه‌گذاری‌ها به گونه‌ای صورت پذیرد که بیشترین منفعت برای اقتصاد ملی حاصل آید. این درحالیست که قوانین موجود در نظام بانکی کشور نشان می‌دهد که متأسفانه و به ظاهر، تخصیص تسهیلات اعتباری به بخش‌های

نمودار شماره یک

مطالبات معوق و سررسید گذشته بانکها از بخش غیر دولتی



متأسفانه تجزیه و تحلیل های مالی هنوز نتوانسته است جایگاه خود را در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های بانک ها و مؤسسات اعتباری ایران بیابد و بسیاری از شیوه های تجزیه و تحلیل های مالی برای مدیران و برنامه ریزان این مؤسسات همچنان ناشناخته یا بدون استفاده باقیمانده است. علاوه بر این، حتی به خاطر نبود اطلاعات، امکان مقایسه بنگاه های اقتصادی با صنعت متناظر آنها وجود ندارد و بانک ها هم با وجود داشتن مراجعان بسیار زیاد، هنوز اقدامی برای ایجاد یک بانک اطلاعاتی منسجم نکرده اند. جالب آنکه سال هاست مؤسسات اعتباری بیشتر کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه از ابزارهای تجزیه و تحلیل های مالی به صورت مکانیزه و در قالب نرم افزارهای رایانه ای استفاده می کنند و بدین وسیله، به سرعت و به گونه ای نظام یافته و مطمئن از اطلاعات موجود این سیستم ها که با کاوش های درختی و قدم به قدم به دست می آید، بهره می جویند. بانک های اطلاعاتی فراوانی هم در این کشورها وجود دارند که اطلاعات مربوط به صنایع مختلف را در اختیار تحلیلگران مالی قرار می دهند تا بتوانند چشم انداز صحیحی از عملکرد مؤسسات مختلف اقتصادی را به دست آورند.

باتوجه به آنچه در این نوشتار به صورت فشرده ارائه شد، چنین جمع بندی می شود که شاید بتوان یکی از دلایل افزایش مطالبات معوق بانک ها را تخصیص نامناسب تسهیلات اعتباری دانست و این مسأله هم ناشی از ناکارآمد بودن ملاک های تصمیم گیری برای وام دهی به درخواست کنندگان است. بر این اساس، ایجاد بانک های اطلاعاتی و ترویج روش های کاربردی تجزیه و تحلیل های مالی در بهینه سازی تخصیص منابع مالی بانک ها و مؤسسات اعتباری ضرورتی انکارناپذیر خواهد بود.

زیر نویس ها

(۱) معروف ترین این نظریه ها، نظریه دایره خبیثه فقر (Vicious Circle of Poverty) است که توسط اقتصاددانانی همچون نورکس و سینگر ارائه شده است.

(۲) دکتر مهدی تقوی - سید احمد غروی (نخجوانی) آزموده را آزمودن خطاست / روزنامه جامعه / ۲۳ اسفند ۱۳۷۶.

از مشکلات موجود در ساختار مالی آنها، به کارشناسان این اجازه را می دهد تا دلایل ایجاد مسایل و مشکلات سازمانی را شناسایی کنند و با کاوش های نظام یافته و بخردانه و با در نظر گرفتن عوامل محیطی، متغیرهای کلان اقتصادی، شرایط خاص مؤسسات و بازار مورد نظر، آسان تر درباره شایستگی درخواست کنندگان تسهیلات اعتباری قضاوت کنند.

بر این اساس و باتوجه به مطالب یاد شده، تجزیه و تحلیل کارآمد صورت های مالی می تواند زمینه لازم را برای سنجش هر چه بهتر قابلیت های مؤسسات درخواست کننده وام ایجاد کند و راهگشای بسیاری از تصمیم گیری ها و آینده نگری های بانک ها و مؤسسات وام دهنده در اعطای تسهیلات اعتباری باشد.

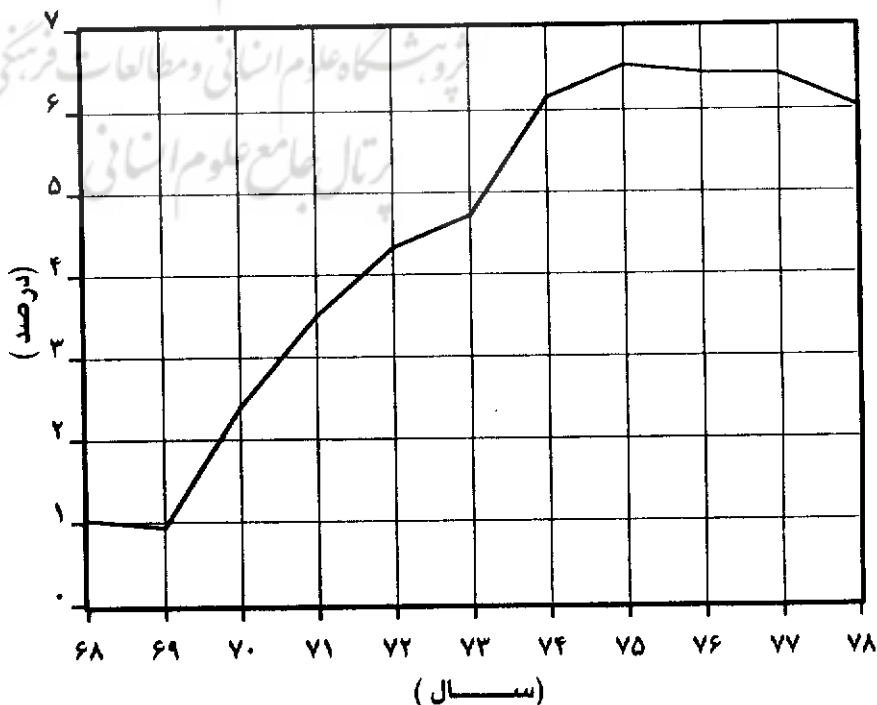
نکته شایان ذکر آن که، هم اکنون پاره ای از شیوه های تجزیه و تحلیل های مالی در بانک های کشور مورد استفاده قرار می گیرد، ولی تصمیم گیری برای اعطای وام کمتر تحت تأثیر گزارش کارشناسان مالی است و علاوه بر این، چون پیگیری مناسبی درباره صحت صورت های مالی ارائه شده به بانک صورت نمی گیرد، لذا تغییر آمار و ارقام صورت های مالی به گونه ای که نتایج امیدبخش و گمراه کننده ای برای کارشناسان به دنبال داشته باشد، به سادگی امکان پذیر است. باتوجه به مجموعه مطالب یاد شده،

لحاظ، چون وام گیرندگان حتی قادر نیستند که وام های دریافتی خود را بازپرداخت کنند، تخصیص منابع مالی نیز نامطلوب تلقی می شود. اصولاً در بانک ها درخواست تسهیلات اعتباری از دیدگاه های مختلفی مورد بررسی قرار می گیرد که یکی از آنها بررسی های کارشناسان مالی است. بنابراین، ضرورت دارد که روش های معتبر و قابل اعتمادی برای آگاهی از وضعیت مالی بنگاه های اقتصادی درخواست کننده وام، تدوین و اتخاذ شود تا بدین وسیله، از یک سو، احتمال سوخت شدن تسهیلات اعطایی تا حد امکان کاهش یابد و از سوی دیگر، منابع مالی به بهترین صورت ممکن تخصیص یابند، گرچه خطوط اصلی تخصیص منابع میان بخش های مختلف اقتصادی توسط اقتصاددانان و سیاستگذاران تبیین می شود.

یکی از راه های بررسی وضعیت عملکرد بنگاه های اقتصادی و به دست آوردن چشم اندازی از فعالیت های آینده آنها، استفاده از شیوه های مختلف تجزیه و تحلیل های مالی است. در حقیقت، تجزیه و تحلیل صورت های مالی ابزاری برای شناخت و ارزیابی عملکرد گذشته، حال و پیش بینی وضعیت آینده بنگاه های اقتصادی است. به بیانی دیگر، تجزیه و تحلیل های مالی، وضعیت حال و گذشته مؤسسات را بررسی می کند و با ارائه نشانه هایی

نمودار شماره دو

نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به کل تسهیلات اعطایی بانکها



تفاوت دارد و معیارهای تعیین شده از سوی کمیته مزبور، به اندازه کافی این گونه تفاوت‌ها را مورد مطالعه قرار نداده است.

مسئله دیگری که در این ارتباط مشاهده می‌شود، مشکلات فزاینده‌ای است که درخصوص توانایی بانک‌ها در زمینه بهره‌برداری از سرمایه‌شان در خرید و فروش سهام از طریق سفته‌بازی وجود دارد که در این خصوص نیز مقررات جاری کمیته بال، بین ریسک واقعی اقتصادی و موازینی که توسط آن کمیته تدوین شده، با یکدیگر تفاوت دارند.

بهره‌برداری از سرمایه بانک‌ها می‌تواند به چند طریق صورت پذیرد. برای مثال، از طریق انواع استقراض از راه فروش اوراق قرضه و هدایت منابع بانک به سمت دارایی‌هایی با کیفیت کمتر.

بنابر پیشنهاد جدید کمیته بال (ژانویه ۲۰۰۱) مقرر شده است که سیستم فعلی تعیین میزان ریسک‌های اعتباری با سیستم رتبه‌بندی توسط آژانس‌های رتبه‌بندی خارجی تعویض شود که اصطلاحاً به آن «روش راهبرد استاندارد شده» می‌گویند. روش دیگر این است که بانک‌های فعال بین‌المللی از روش «رتبه‌بندی داخلی» استفاده کنند. این روش که پیچیده‌تر نیز می‌باشد، «راهبرد اصلی و پیشرفته» نامیده می‌شود.

باتوجه به مسایل فوق، جامعه بین‌المللی بانکداری اظهار داشته است که تعیین ریسک‌پذیری به روش داخلی به رتبه‌بندی خارجی ترجیح دارد و براساس آن، الزامات سرمایه بانک‌های بزرگ تعیین می‌شود.

اثرات تشویقی رتبه‌بندی داخلی

نکته مهمی که به هنگام قضاوت درخصوص نسخه جدید کمیته بال باید در نظر گرفت، اثرات تشویقی رتبه‌بندی داخلی و مقررات جدید مربوط به آن است. در رساله‌ای که اخیراً در این خصوص توسط «کمیته سایه نظارت مالی ایالات متحده آمریکا» انتشار یافته، آمده است: «اتخاذ یک خط مشی مناسب نیاز به تلفیق صحیح



نقدی بر پیشنهادهای جدید کمیته بال پیرامون

نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها

○ جامعه بین‌المللی بانکداری عقیده دارد که تعیین ریسک‌پذیری به روش داخلی نسبت به رتبه‌بندی خارجی ترجیح دارد.

تهیه پیش‌نویس اولیه موافقت‌نامه جدید صورت گرفت، عنوان شد: «ارزش موازین فعلی موافقت‌نامه به منظور ارزیابی دارایی و سرمایه بانک‌ها در بهترین حالت به عنوان یک شاخص خام اقتصادی جهت برآورد میزان خطرپذیری سرمایه بانک‌ها مطرح می‌شود.» زیرا اساساً درجه ریسک‌پذیری وام‌گیرندگان با یکدیگر

در ژانویه سال جاری میلادی، کمیته نظارت بر بانکداری بال (Basle) در واکنش به کاستی‌های موافقت‌نامه قبلی کمیته (۱۹۹۸) درخصوص میزان کفایت سرمایه (Capital Adequacy) پیشنهادهای جدیدی را ارائه کرد. پیشنهادهای جدید کمیته بال در زمینه طبقه‌بندی ریسک سرمایه‌گذاری بانک‌ها و تعیین الزامات سرمایه آنها می‌باشد. در موافقت‌نامه قبلی بدین علت که موازین تعیین شده از سوی کمیته بال بسیار کلی بود، بانک‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری، نسبتاً با ریسک‌های بسیار بالایی در مقولات مختلف سرمایه‌گذاری مواجه بودند. در مباحثات ژوئن ۱۹۹۸ کمیته بال که به منظور



مقررات مربوط به نظارت و نظم بازار دارد. بدین ترتیب، بانک‌ها انگیزه‌های مناسبی برای اجتناب از خطرپذیری بیش از حد و حمایت از مالیات‌دهندگان پدید می‌آید. مالیات دهندگان کسانی هستند که در نهایت، دولت‌ها از طریق منابع آنان سرمایه‌سپرده‌گذاران را در مؤسسات مالی حمایت می‌کنند.»

مقررات پیشنهادی جدید همچنین می‌تواند اثرات مثبتی در زمینه برانگیختن بانک‌ها به منظور بهبود سیستم‌های مدیریت ریسک داخلی برجای گذارد. تنها بانک‌های چند منظوره و بانک‌های فعال بین‌المللی قادر خواهند بود که از روش رتبه‌بندی داخلی به عنوان معیاری برای تعیین میزان سرمایه که توسط ناظران بانکی تعیین شده است، استفاده کنند. تعیین میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها براساس رتبه‌بندی داخلی در مقایسه با موافقتنامه قبلی کمیته بال (۱۹۹۸) بهبود یافته است. به‌هرحال، این راهبرد نیز جنبه اصلاحی دارد، بدین معنی که درخصوص ریسک‌پذیری بانک‌ها به‌طور انفرادی، راه‌حلی را ارائه نموده است. مدل‌های ریسک‌پذیری اعتباری اوراق بهادار از رابطه بین تغییرات قیمت دارایی‌های فردی استفاده می‌نمایند. در نتیجه، انگیزه‌ها و آزادی عمل درخصوص استفاده از عملیات خرید و فروش سهام باقی مانده است، اگرچه تا اندازه‌ای از میزان آن کاسته شده است.

انگیزه دیگری که به‌طور بالقوه می‌تواند گمراه‌کننده باشد، این است که بانک‌ها ممکن است به منظور طراحی سیستم‌های درجه‌بندی داخلی، به‌طور غیر ارادی، درجه ریسک‌پذیری خود را از آنچه در حالت واقعی است، فراتر نشان دهند و بدین ترتیب، ریسک‌های داخلی خود را به گونه‌ای غیرواقعی برآورد کنند و این امر موجب می‌شود که سرمایه لازم را در مواقع ضروری برای پروژه‌های خاص تأمین نکنند. این فرآیند ممکن است آگاهانه (عمدی) یا ناآگاهانه (غیرعمدی) صورت پذیرد. زمانی این فرآیند به

صورت عمدی اتفاق می‌افتد که بانک‌ها تصمیم می‌گیرند تا سیستم رتبه‌بندی داخلی‌شان را به‌طور دلخواه تغییر دهند، بدین معنی که آنها در زمان ارزیابی رتبه‌بندی ریسک اعتباری‌شان به مقامات نظارتی، آن را کمتر از حد واقعی نشان می‌دهند. نوع دیگر رتبه‌بندی که به صورت ناآگاهانه صورت می‌گیرد، به این ترتیب است: زمانی که بانک‌ها می‌خواهند موجودی وام‌های خود را برآورد کنند، درخصوص کیفیت این نوع وام‌ها بسیار خوشبینانه عمل می‌کنند، زیرا آنان به اندازه کافی از مهارت لازم در فرآیند ارزیابی خطرپذیری برخوردار نیستند. بحران‌ها و مسایل اخیر بانکداری که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در بیش از ۱۰۰ کشور جهان آغاز شد، به دلیل این قبیل

○ ارزیابی آگاهانه ناقص از میزان ریسک اعتباری معمولاً در جاهایی اتفاق می‌افتد که بازار بانکی فاقد سیستم نظارتی قوی باشد.

رتبه‌بندی‌های غیر واقعی و نسنجیده، قابل تصور بود.

به‌طور کلی، به‌واسطه فقدان اطلاعات کافی و طولانی بودن ادوار اقتصادی، بهبود بخشیدن به مسأله برآورد ناقص از میزان ریسک اعتباری دشوار است؛ حتی اگر این امر برای ناظران بانکی صورت تحقق پیدا کند، آنان با مشکلات جدی ناشی از برآورد ناقص ریسک اعتباری مواجه خواهند شد و یکی از این مشکلات هم طراحی سیستمی مناسب برای مجازات بانک‌هایی است که به‌طور یاد شده نسبت به ارزیابی میزان ریسک اعتباری‌شان اقدام کرده‌اند، زیرا در بسیاری از موارد، اعمال اینگونه مجازات‌ها احتمالاً منجر به ورشکستگی بانک می‌شود.

علاوه بر این، ناظران در نبرد نابرابری با بانک‌های تحت نظارت خود قرار می‌گیرند، زیرا بانک‌ها در زمینه طراحی سیستم‌های رتبه‌بندی داخلی که حداقل سرمایه بانک‌ها را در حد پایینی

قرار دهد، دارای انگیزه‌های قوی هستند. آنها در این زمینه تمایل دارند که با استخدام بهترین نیروها و پرداخت بالاترین دستمزدها به آنان، به اهداف مورد نظرشان دست یابند. اینگونه ارزیابی‌های آگاهانه ناقص از میزان ریسک اعتباری احتمالاً در برخی از بازارهای بانکی که از سیستم نظارت ضعیفی برخوردارند، صورت می‌گیرد. در چنین بازارهایی، بانک‌ها در خصوص عملیات وامدهی خود تا آنجا که ممکن است، مقررات را به گونه‌ای که مطلوب و مورد نظر است، اجرا می‌کنند. بدیهی است که صندوق بین‌المللی پول برای وضع قوانینی که راهنمای مقامات نظارتی باشد، تلاش‌های فراوانی کرده است. همچنین صندوق مزبور در زمینه تعلیم و کارآموزی ناظران تمهیداتی را اندیشیده است. صندوق بین‌المللی پول امیدوار است که مقامات نظارتی در امور بانکی بتوانند در کاهش اینگونه برآوردهای ناقص از میزان ریسک اعتباری نقش ارزشمندی را ایفا نمایند، بدین معنی که حوزه آزادی عمل بانک‌ها را در زمینه اجرای دلخواهی مقررات بانکی محدود کنند.

به‌هرحال، در این زمینه هنوز تردیدهای فراوانی وجود دارد، به این دلیل که مقامات نظارتی سراسر جهان در مورد کشف و تصحیح عملکرد بانک‌های یاد شده بر مبنای رتبه‌بندی داخلی، بسیار خوشبینانه به قضایا می‌نگرند.

به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که بانک‌ها زمانی که سیستم‌های داخلی ارزیابی رتبه‌بندی ریسک را طراحی می‌کنند، بسیار خوشبینانه به قضایا می‌نگرند، اما از طرف دیگر، ناظران بانکی در زمینه کار خود، از منابع و امکانات محدودی برخوردارند و این امر باعث شده است که آنها نتوانند عملکرد سوء بانک‌ها را به نحو مطلوبی تصحیح کنند. با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها، وظیفه ناظران بانکی بسیار پیچیده‌تر شده است، زیرا در سطح جهان موافقتنامه بین‌المللی در خصوص طراحی سیستم رتبه‌بندی داخلی وجود ندارد.



شود و این اطلاع در گزارش ناظر بانک هم درج شود.

در اولین مرحله از پیشنهادها درخصوص بدهی‌های مؤخره (فرعی) زمانی که نرخ پاداش‌های ریسک برای مدتی طولانی در حد بسالایی قرار می‌گیرد، سیستمی که به‌طور اتوماتیک تحریم‌هایی را اعمال نماید، به چشم نمی‌خورد.

به‌هرحال، به‌عنوان پروسه نظارت بر سرمایه بانک‌ها، یک ناظر بانکی ممکن است تصمیم بگیرد که سرمایه لازم را برای بانک خاصی افزایش دهد. به این ترتیب، اکنون بانک‌ها می‌دانند که ناظران آن‌ها بر میزان بدهی مؤخره و عملیات بانکی‌شان و همچنین سود حاصله احاطه دارند و این امر موجب می‌شود که انگیزه‌های صاحبان بانک در ارزیابی ناقص ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

اگرچه پیشنهادهای اخیر کمیته بال گام مهم و مثبتی در زمینه ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری و تشویق بانک‌ها به منظور اصلاح سیستم‌های مدیریت ریسک به شمار می‌رود، اما در عین حال این پیشنهادها به‌طور بالقوه موجب می‌شوند که انگیزه‌های گمراه‌کننده‌ای در برآورد ریسک اعتباری برای بانک‌ها پدید آید. آنچه اکنون ضروری به نظر می‌رسد، این است که به منظور ایجاد نظم واقعی در بازار و تنظیم بدهی‌های مؤخره، ضمیمه‌ای (متممی) برای پیشنهادهای مذکور تدوین شود. متمم مذکور، مکانیزمی است که به‌واسطه آن اثرات نامطلوب انگیزه‌های گمراه‌کننده و نیز عرصه نابرابر رقابت‌ها تعدیل خواهد شد.

مأخذ: The Banker

ترجمه: سید محمد ستوده

* کمیته سایه نهادی است که براساس قانون، بایستی تخلفات مؤسسات مالی را به دولت گزارش کند، لیکن خود فاقد قدرت اجرایی است.

جالب توجه اینکه بسیاری از بانک‌های بزرگ و فعال بین‌المللی، پیش از این، مبالغ معتناهی بدهی فرعی داشتند. برای مثال، محاسباتی که توسط هیأت مدیره «فدرال رزرو» انجام شده، نشان می‌دهد که مقدار چنین بدهی‌هایی در بانک‌های آمریکا ۲ درصد کل دارایی‌های بانک‌ها را شامل می‌شود. همچنین، تعداد بسیار زیادی از بانک‌های بزرگ اروپایی، مقادیر معتناهی از این نوع بدهی را در حساب‌های خود دارند.

خلاصه اینکه، کمیته بال می‌تواند به راحتی در زمینه بدهی‌های مؤخره پیشنهادهای زیر را ارائه نماید:

● کمیته بال تقریباً به سادگی می‌تواند

● موافقتنامه ۱۹۹۸ کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه مناسبتر از پیشنهاد جدید این کمیته است، زیرا...

مرحله اول پیشنهاد بدهی‌های پیوسته (مؤخره) را با معرفی یک سیستم اختیاری الزامات بدهی‌های مؤخره به عنوان بخشی از الزامات سرمایه‌ای به جریان اندازد. براساس این پیشنهاد، حداقل انتشار بدهی‌های مؤخره با سطح موجودش هماهنگ می‌شود.

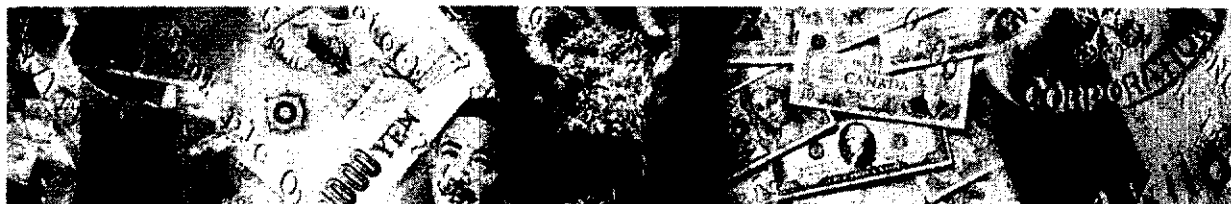
● با قدرت و شدت و به‌وسیله اعلام ماجرا می‌خواهد اطمینان حاصل نماید که قراردادهای بین‌المللی که براساس آن‌ها بدهی‌های مؤخره بوجود می‌آید، در تمام موارد تضمین شده باقی بمانند؛ حتی در صورتی که ممکن است غرامتی پرداخت شود، اصل بدهی و زیان ناشی از آن جبران نشده باقی می‌ماند.

● براساس سیستم جدید، بدهی‌های مؤخره برای هر یک از بانک‌ها، یک درجه ریسک دارد و در نتیجه، وضعی بوجود می‌آید که دید بازار دربارهٔ بالا رفتن خطر بدهی در بانک نیز ایجاد شود و در سیستم درونی رتبه‌بندی بانک منظور

در ژانویه سال ۲۰۰۰، کمیته بال تحقیق جامعی را پیرامون سیستم‌های رتبه‌بندی داخلی بانک‌ها در سراسر جهان انجام داد. اعمال مقررات جدید کمیته بال، عرصه رقابت نابرابری را برای فعالیت بانک‌های فعال بین‌المللی ایجاد می‌نماید. به عنوان نمونه، درخصوص وامی که به یک کمپانی خاص داده می‌شود، بانک‌های مختلف ریسک‌های متفاوتی را در نظر می‌گیرند و این امر، باعث می‌شود که عملیات جابجایی سرمایه در بانک‌ها با یکدیگر بسیار تفاوت داشته باشد و در نتیجه، پاداش خطری که از سوی بانک‌ها ارائه می‌شود، در یک زمینه خاص با دیگران متفاوت می‌باشد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که موافقت‌نامه ۱۹۹۸ کمیته بال در زمینه نسبت کفایت سرمایه مناسب‌تر از پیشنهاد جدید این کمیته است، زیرا براساس موافقت‌نامه قبلی، نسبت کفایت سرمایه در زمینه اعطای وام به یک شرکت خاص برای تمام بانک‌ها به یک میزان (۸ درصد) تعیین شده بود. و آنچه اکنون مورد نیاز است، ایجاد مکانیزمی برای جلوگیری از تشتت در موازین رتبه‌بندی داخلی بانک‌ها است که منجر به برقراری نظم واقعی در بازار می‌شود.

نظم و مقررات واقعی بازار

نظم بازار به‌طور بالقوه می‌تواند برآوردهای ناقص ریسک اعتباری را کاهش دهد، اما پیشنهاد جدید کمیته بال مکانیزمی را برای ایجاد چنین نظمی ارائه نداده است. به‌هرحال، پیشنهادهای مذکور، در بخش سوم خود به مقوله‌های نظم بازار، افشای اطلاعات و شفافیت اشاره کرده است. شیوه‌ای که در این پیشنهاد عرضه شده، راهبردی جامع و کافی نیست. افشای اطلاعات و شفافیت تنها زمانی منجر به ایجاد نظم واقعی در بازار خواهد شد که گروهی از سرمایه‌گذاران دارای حداکثر انگیزه برای استفاده از این اطلاعات باشند. سرمایه‌گذاران حرفه‌ای زمانی که بانک‌ها دارای بدهی‌های مؤخره (فرعی) می‌شوند، انگیزه بسیار زیادی برای ارزیابی ریسک کلی بانک‌های مذکور دارند.



نگاهی به وضعیت خدمات

بانک‌های ایرانی

□ اشاره

در فاصله بین سال‌های ۲۸ تا ۵۷ حدود ۳۶ بانک در ایران فعال بودند، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، بانک‌های ایرانی ملی شدند و پس از ملی‌کردن بانک‌ها، ادغام آنها ضرورت یافت و در خرداد ۵۸ تعداد کل بانک‌های کشور به ۹ بانک تقلیل یافت و حدود ۲۰۰۰ شعبه از کل شعب بانک‌ها کاسته شد و بهره‌نیز از نظام بانکداری رخت بریست و به جای آن، بانکداری اسلامی بدون ربا جایگزین شد و قانون مربوط به آن هم از سال ۱۳۶۳ به اجرا درآمد.

مطابق مقررات جدید و مورد عمل فعلی، بانک‌ها می‌توانند به منظور جذب منابع و تجهیز سپرده‌ها، با اتخاذ روش‌های تشویقی، از امتیازات زیر به سپرده‌گذاران اعطا نمایند:

الف) اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه.

ب) تخفیف یا معافیت سپرده‌گذاران از پرداخت کارمزد یا حق‌الوکاله.

پ) دادن حق تقدم به سپرده‌گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانک‌ها.

اکنون نزدیک به ۱۷ سال از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گذرد، اما با وجود این، هنوز بانک‌ها نتوانسته‌اند به عنوان قوی‌ترین نهادهای پولی کشور به شکل واقعی به وظایف

خود عمل کنند، و سیستم بانکی با مشکلاتی روبرو است.

آنچه مسلم است، مشتری سرمایه و فلسفه وجودی بانک‌ها است و بانک‌ها برای اینکه بتوانند نقش مؤثر خود را به عنوان اهرم اقتصادی در جامعه ایفا کنند، نیاز به جلب رضایت مشتریان دارند و باید فعالیت‌های خود را بر مبنای آرایه خدمات مطلوب و جلب رضایت مردم استوار سازند.

در این گزارش، به بررسی وضعیت عملکرد بانک‌ها در زمینه آرایه خدمات بانکی می‌پردازیم.

○ چیزی که در بانک‌های ما مورد توجه نیست، همانا انتظار مشتریان از بانک‌هاست.

○ بانک‌ها قبل از آرایه هرگونه خدمت، ابتدا باید نیازها و خواسته‌های مردم را بشناسند.

□ خدمات بانک‌ها با انتظارات مشتریان همسو نیست

همه مشتریان مایلند که خدمات آرایه‌شده بانک‌ها مطابق با انتظارات آنها باشد. در واقع،

چیزی که موجب ارتقای کیفیت عملکرد بانک‌ها است، همانا موفقیت آنها در کشف نیاز و انتظارات مشتریان و عرضه خدماتی بر مبنای همان خواسته‌ها است.

شهرام رضایی، دانشجوی علوم اجتماعی در این ارتباط می‌گوید: چیزی که در بانک‌های ما مورد توجه نیست، همان انتظار مشتریان از بانک است. مثلاً من به عنوان یک مشتری می‌خواهم بانک به من تسهیلاتی را آرایه دهد، و موقع مراجعه به بانک، امور بانکی من با سرعت و بدون اشکال انجام شود، ولی این انتظارات را عملاً نمی‌توان از طریق تمام بانک‌ها برآورده کرد.

آقای فروغی که یک نظامی است، معتقد است: مشتری براساس نیازهایش، از خدمات بانک استفاده می‌کند، لذا ممکن است تمام خدماتی که هر بانکی آرایه می‌دهد، مورد استفاده او واقع نشود. من شخصاً با تمام خدمات بانک آشنا نیستم و بیشتر مراجعات من به بانک به دلیل داشتن حساب جاری و حساب در گردش بانک است و عملاً با سایر خدمات بانک سروکاری نداشته‌ام، چون فکر می‌کنم که به آنها نیاز نداشته‌ام.

آقای کاظمی دینان، مدیر روابط عمومی بانک ملی ایران در این باره می‌گوید: یکی از علل مؤثر در ناکارایی خدمات بانکی این است که

معمولاً خدمات بانک‌ها بر اساس سلیقه و برنامه‌ریزی خود مؤسسات شکل گرفته است، درحالی‌که دربانک‌های دنیا چنین نیست، بلکه قبل از ارائه هر خدمت، ابتدا نیازها و خواسته‌های مردم شناسایی می‌شود و توقعات مردم از بانک مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بعد بر مبنای همسو کردن نیازها و خواسته‌های مشتریان با هدف‌های سازمان، خدمتی را به مردم ارائه می‌دهند که در واقع، خواسته خود مردم است و انتظارات آنان را برآورده می‌سازد.

□ خدمات بانک‌ها تکراری است

بسیاری معتقدند که تمام بانک‌های ایرانی به لحاظ اینکه تحت کنترل قوانین و مقررات یکسان بانک مرکزی و دولت قرار دارند، لذا دارای خدمات مشابه هستند و تفاوتی با هم ندارند و علیرغم تفاوت اسمی آنها، عملکرد اکثر خدمات مشابه است.

آقای فروغی در این زمینه معتقد است که خدمات جدید موجب تسهیل امور مشتریان است. مثلاً تلفن‌بانک از جمله خدماتی است که نشان دهنده پیشرفت تکنولوژی بانکداری نوین است و هم‌اکنون چندین بانک اقدام به ارائه این خدمت کرده‌اند و حتی برخی از بانک‌ها برای جلب مشتری، ویژگی‌های بهتری را نیز به تلفن‌بانک افزوده‌اند که مسلماً بهتر شده است. اما با وجود این، بهتر است مسوولان بانک از بانک‌های مختلف سایر کشورها هم الگو بگیرند تا بازارهای رقابتی‌تری را بوجود آورند.

مدیر روابط عمومی بانک ملی در این باره می‌گوید: به اعتقاد من، هر سازمان باید به‌طور مستمر تلاش کند تا به تناسب نیازهای مشتریان خدمات جدیدتری را ارائه دهد. وی در پاسخ به این سؤال که چرا خدمات بانک‌ها شبیه یکدیگر است؟ می‌افزاید: متأسفانه در کشور ما به‌محض اینکه شخصی محصول جدیدی را به بازار ارائه می‌دهد و موفق می‌شود، افراد دیگر هم به همان سمت کشیده می‌شوند و شروع به همان فعالیت می‌کنند. مثلاً تولید ماکارونی زمانی در کشور ما محدود بود، اما در حال حاضر تولید این محصول به اندازه‌ای رسیده که بازار اشباع شده و حالا تولید این محصول توجیه اقتصادی ندارد. متأسفانه همین روش در سیستم بانکی هم رخنه کرده است. لذا می‌بینیم که وقتی یک بانک خدمت جدیدی را ارائه می‌دهد، بانک‌های دیگر نیز به همان اقدام مبادرت می‌ورزند، که این صحیح نیست.

من معتقدم که در سیستم بانکی، هر بانک باید مدام به‌دنبال ارائه خدمات جدید باشد و یا حداقل مزیتی را بر خدمات بانک قبلی اضافه کند تا ایجاد رقابت شود. برای اینکار هم نباید فقط به خدمات داخلی توجه کرد، بلکه باید دید که بانک‌های خارجی چه سرویس‌هایی را به مردم ارائه می‌دهند و ما نیز همان خدمات را به مشتریان ارائه دهیم.

□ مشتری «اریاب» است

اصل مهمی که محور فعالیت همه بانک‌ها قلمداد می‌شود، این است که «همیشه حق با مشتری است» و «اگر مشتری نباشد، ما نیستیم، پس باید در خدمت مشتری باشیم».

شهرام رضایی در این ارتباط می‌گوید: من به‌عنوان یک مشتری برای انجام کارهای بانکی خود به بانک‌های مختلفی مراجعه می‌کنم، اما متأسفانه همه بانک‌ها به یک شکل با مشتری برخورد نمی‌کنند. اگر در بانکی مرتب حساب داشته باشید و اکثر سپرده‌های خود را در آنجا متمرکز کنید، ممکن است به‌لحاظ رفت و

در قسره کشی حساب‌های قرض الحسنه پس انداز، مقررات و روش‌های بانک‌ها یکی است و تنها جوایز آنها متفاوت است، یعنی یک بانک جایزه خود را پیشکان قرار داده و دیگری پژوا

آمدهای پی‌درپی و اینکه مشتری دایم آنها محسوب می‌شوید، با شما رفتار خوبی داشته باشند، درصورتی که در مراجعه به سایر بانک‌ها می‌بینیم که اصلاً به مشتری توجهی نمی‌شود و اگر کار بانکی داشته باشیم، باید ساعت‌ها در بانک معطل بمانیم و در نهایت، کارمندی با بی‌حوصلگی تمام به رتق و فتق امور می‌پردازد. آقای کاظمی دینان می‌گوید: مشتری به‌عنوان ارباب رجوع «اریاب» است، و اصولاً فلسفه وجودی بانک به داشتن مشتری است، در غیر اینصورت، آن بانک محکوم به فناست. همکاران بانکی باید مشتری را به‌عنوان نعمت الهی قلمداد کنند و بدانند که حضور مشتری موجب حضور آنها است و وجود مشتری برای بانک به‌مثابه هدیه الهی است. لذا کارکنان باید با رفتار خوب و خلق محمدی رعایت حال مشتریان را بنمایند و چنان با مشتری رفتار کنند که گویی مشتریان از نزدیکان و یا بستگان خودشان هستند و با

مشتریان همانطور رفتار کنند که انتظار دارند با خود آنها رفتار شود.

□ بازاریابی و تبلیغات، معرفی خدمات بانک

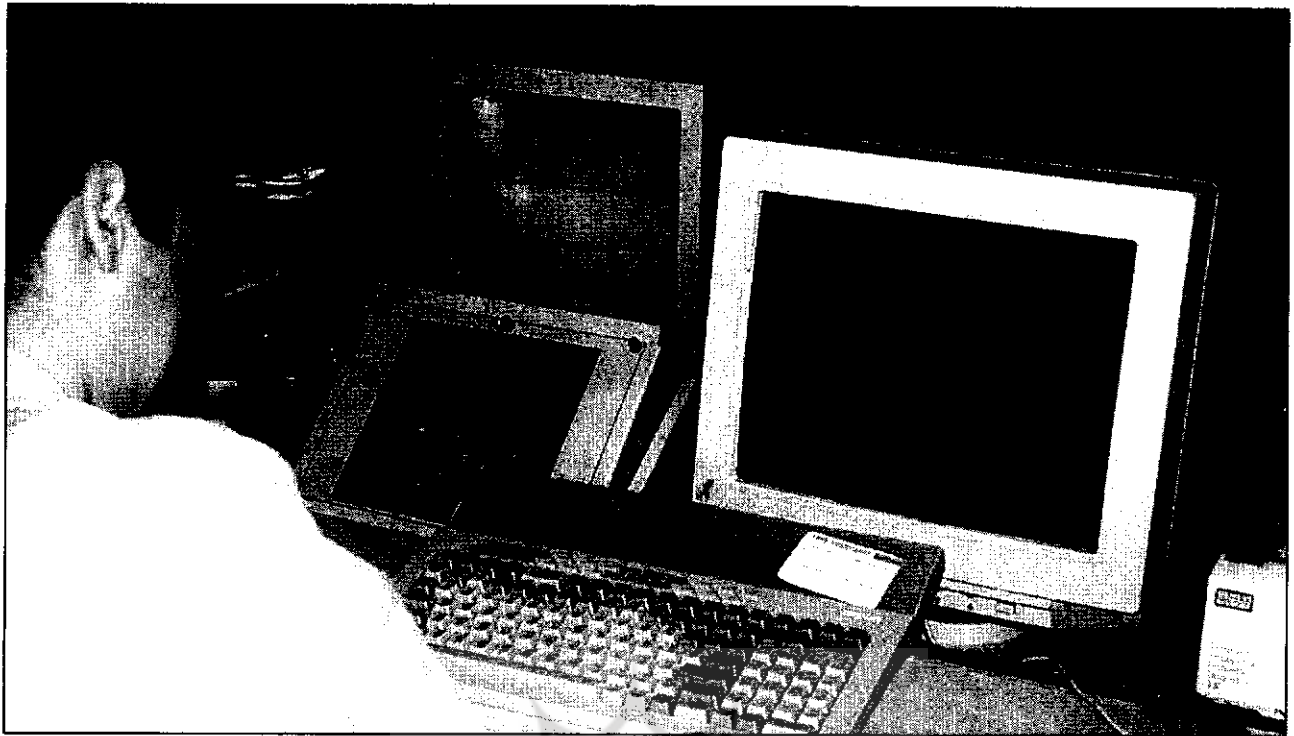
ارزیابی برای شناخت انتظارات و توقعات مشتریان و ارائه محصول جدید و همچنین تبلیغات برای معرفی صحیح خدمت جدید بانک‌ها از جمله اموری است که در جذب مشتریان نقش بسزایی دارد. بعضی از مشتریان تبلیغات فعلی بانک‌ها را کافی نمی‌دانند و معتقدند که تبلیغات بانک‌ها برای شناسایی خدمات بانک کافی نیست و در معرفی برخی از خدمات هم مبالغه می‌شود.

رضایی، دانشجوی علوم اجتماعی می‌گوید: متأسفانه بازاریابی در کشور ما هنوز جا نیفتاده و هنوز بسیاری از سازمان‌ها و مؤسسات به ضرورت این اقدام پی نبرده‌اند و لذا در این ارتباط تلاش نمی‌کنند. از سوی دیگر، در مورد تبلیغات محصولات بانکی نیز می‌بینیم که تبلیغات بانکی به یک مقطع زمانی خاص محدود می‌شود، مثلاً برای قسره‌کشی حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، فقط در زمان‌های خاصی تبلیغ می‌شود، در حالیکه اصل تداوم و تکرار در تبلیغ امری بدیهی است.

کاظمی دینان نیز معتقد است: قبل از انقلاب، بازاریابی جایگاه خاصی را در جامعه داشت، اما پس از انقلاب در ده سال اول دچار رکود بازاریابی و تبلیغات بودیم، به‌طوری‌که حتی روابط عمومی در سازمان‌ها مرده بود و تحرک و چرکنی در جامعه وجود نداشت. اما از سال ۷۰ به‌بعد تغییراتی در این زمینه بوقوع پیوست و ما شاهد توجه فزاینده تولیدکنندگان به این امر بوده‌ایم. مسلماً بازاریابی از اموری است که لازمه رشد هر موسسه و سازمانی است و توجه به آن ضرورت دارد.

بازاریابی چه فوایدی دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید به چند ویژگی بازاریابی اشاره کرد:

- ۱- بازاریابی موجب شناخت سازمان و بنگاه اقتصادی از خریداران و مصرف‌کنندگان می‌شود.
- ۲- تحقیقات بازاریابی، کشف بازارهای جدید و موارد استفاده از خدمات پیشین را گسترش می‌دهد.
- ۳- تحقیقات بازاریابی موجب حذف تصمیماتی می‌شود که بر اطلاعات نادرست و حدسیات استوارند.
- ۴- تحقیقات بازاریابی موجب سنجش تقاضا



▲ اتوماسیون سیستم بانکی، هدف نیست، بلکه تنها یک گام است در مسیر ارتقای سطح خدمات به مشتریان بانک ها.

خصوصی می‌گوید: امیدواریم که با ایجاد بانک‌های خصوصی و تدوین قوانین برای آنها، تغییراتی نیز در قوانین بانک‌های دولتی اعمال شود تا شرایط رقابتی بوجود آید و بانک‌های دولتی بتوانند با بانک‌های خصوصی رقابت کنند، چون این امر موجب پویایی و تحرک در سیستم بانکداری خواهد شد

□ □ □

آنچه مسلم است، بانک به‌عنوان یک اهرم اقتصادی نقش بسزایی را در رشد و تکامل و شکوفایی اقتصاد کشور ایفا می‌کند. لذا این مؤسسات باید اصل مشتری محوری را در مدنظر قرار دهند. کارکنان این سیستم باید علاوه بر احاطه بر علوم بانکی، از علوم روانشناسی و جامعه‌شناسی نیز آگاه باشند و بتوانند با رفتار صحیح و منطقی، رضایت مشتریان را جلب کنند. از سوی دیگر، بانک‌ها با توجه به امر بازاریابی باید انتظارات و توقعات مشتریان را شناسایی کنند و همگام با تکنولوژی نوین بانکداری حرکت کنند و با افزایش آگاهی و اطلاعات بانکی مردم، در راه گسترش و ارتقای کیفی سطح خدمات خود بکوشند. ■

گزارش از: اشرف محمدنیا

می‌کردند و موفق هم بودند، زیرا هر بانکی با توجه به مقررات خاص خود دارای اختیاراتی نیز بود و مدیریت بانک می‌توانست در شرایط رقابتی فعالیت کند، اما بعد از انقلاب و دولتی‌شدن بانک‌ها این رقابت کم شده است، زیرا مقررات حاکم بر بانک‌ها یکی است و مثلاً تسهیلاتی که به سپرده‌گذاران اعطا می‌شود، در تمام بانک‌ها یکسان است، چون مقررات

○ تبلیغات بانک‌ها برای شناسایی خدمات بانکی کافی نیست و در بعضی از خدمات هم مبالغه می‌شود.

مشترکی دارند. مثلاً در قرعه‌کشی حساب‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز مقررات یکی است و تنها فرق بانک‌ها در این نوع سپرده‌ها در تنوع جوایز آنهاست، مثلاً ممکن است بانکی جایزه خود را پیکان و بانک دیگر پژو تعیین کند. البته این به معنای رقابت نیست، بلکه رقابت در سرویس‌دهی خوب و مطلوب است، به‌نحوی که یک بانک اجازه داشته باشد که سرویس خاصی را به مشتریان خود ارائه دهد.

وی سپس با اشاره به حضور بانک‌های

می‌شود و فروش و عرضه آینده را مشخص می‌کند.

۵- تحقیقات بازاریابی باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود.

۶- تحقیقات بازاریابی آثار فعالیت‌های تبلیغاتی را زیاد کرده و باعث افزایش فروش می‌شود.

با توجه به رقابتی‌تر شدن فعالیت بانک‌ها و به عرصه آمدن بانک‌های خصوصی مسلماً مسأله بازاریابی و توجه به خواسته‌های مشتریان باید مورد توجه بانک‌ها قرار گیرد تا بتوانند خدمات مطلوب را به مشتریان ارائه نمایند.

□ میان بانک‌های دولتی رقابتی وجود ندارد

بسیاری از کارشناسان معتقدند که یکی از دلایل ناکارایی بانک‌ها دولتی بودن آنها است و بانک‌های دولتی فاقد شرایط رقابتی هستند، درحالی که رقابت می‌تواند در بالابردن کارایی بانک‌ها مؤثر باشد، ولی از آنجایی که دولت صاحب همه بانک‌هاست، شرایط رقابتی به وجود نمی‌آید.

مدیر روابط عمومی بانک ملی می‌گوید: تا پیش از انقلاب سه بانک دولتی و بقیه بانک‌ها خصوصی بودند. بانک‌های دولتی با مقررات حاکم بر خود، با بانک‌های خصوصی رقابت



ضمانت‌نامه‌های بانکی

بخش دوم

اکبر پیروفر

برنده مناقصه شد، قرارداد معامله را با دستگاه اجرایی منعقد سازد، یعنی متعهد به انجام عمل یا معامله‌ای شده است و تخلف از انجام عمل، به دستگاه اجرایی اجازه می‌دهد که وجه ضمانت‌نامه را از بانک مطالبه کند که در واقع، بانک طرف قرارداد با دستگاه اجرایی نمی‌شود، بلکه مبلغی را که تعهد نموده، در وجه دستگاه اجرایی می‌پردازد و این شرط وجود ندارد که دستگاه اجرایی ابتدا به پیمانکار مراجعه کند و چنانچه نپرداخت، ثانیاً به بانک مراجعه نماید.

در ضمانت‌نامه اجرای تعهدات نیز چون پیمانکار به موجب قرارداد، انجام و اجرای طرح یا پروژه‌ای را تعهد و تقبل کرده است، تخلف پیمانکار از انجام و اجرای هر یک از تعهدات قراردادی به دستگاه اجرایی اجازه می‌دهد که وجه ضمانت‌نامه اجرای تعهدات را از بانک مطالبه و دریافت دارد.

استاد دکتر کاتوزیان در جای دیگر از تألیف خودشان چنین تقریر نموده‌اند: با اینکه به موجب قانون مدنی، ضمان از دین آینده پیش از ایجاد اسباب آن باطل است (ماده ۶۹۱ قانون مدنی) به نظر می‌رسد که التزام پرداخت دین احتمالی آینده، به گونه‌ای که ایجاد و التزام معلق به تحقق دین اصلی باشد، از نظر حقوقی درست است، زیرا اگر پذیرفته شود که تعلیق در این التزام مانعی ندارد، چه تفاوت می‌کند که شرط تعلیق «عدم تادیه» مدیون باشد یا تحقق دین، به‌ویژه که در این صورت، تعلیق به یکی از شرایط صحت التزام است و ملتزم برای زمان

استنکاف یا اقامه دلیل و یا صدور اظهارنامه یا اقدامی از مجرای اداری یا قضایی داشته باشد، بلادرنگ در وجه کارفرما بپردازد (ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه).

مقارن با امضای قرارداد، پیمانکار بایستی ضمانت‌نامه دیگری را هم با این مضمون در اختیار کارفرما قرار بدهد: نظر به اینکه... (نام شرکت پیمانکار) به این بانک اطلاع داده است که قصد انعقاد پیمان... (موضوع قرارداد) را با... (نام دستگاه اجرایی) دارد، لذا این بانک از... (نام شرکت پیمانکار) برای مبلغ... ریال به جهت انجام تعهداتی که به موجب پیمان فوق‌الاشعار به‌عهده خواهد گرفت، تضمین و تعهد می‌نماید. در صورتی که... (نام دستگاه اجرایی) کتباً و قبل از انقضای سررسید این ضمانت‌نامه، به این بانک اطلاع دهد که... (نام شرکت پیمانکار) از اجرای هر یک از تعهدات ناشی از پیمان مذکور تخلف ورزیده است، تا میزان... ریال هر مبلغی را که... (نام دستگاه اجرایی) مطالبه نماید، به محض دریافت اولین تقاضای کتبی واصله از... (نام دستگاه اجرایی) بپردازد (ضمانت‌نامه انجام تعهدات).

دو نوع ضمانت‌نامه دیگر با عنوان «استرداد کسور وجه‌الضمان» و «پیش‌پرداخت» وجود دارد که در واقع، مسایل فرعی و جنبی قراردادهای مربوط به طرح‌ها و پروژه‌ها می‌باشد، ضمناً حاکی از دینی است که بر ذمه پیمانکار مستقر است.

در ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه، باتوجه به اینکه برنده مناقصه قبلاً پذیرفته است که هرگاه

درنخستین بخش این مقاله راجع به تعریف، وجه تسمیه، تشریفات صدور، پشتوانه و مشخصات و مدت اعتبار ضمانت‌نامه و شرایط وثیقه غیرمنقول صحبت شد و ضمانت‌نامه‌های بانکی از لحاظ حقوقی مورد بررسی قرار گرفتند. اینک توجه شما را به بخش پایانی این مقاله جلب می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

برای نتیجه‌گیری از تقریرات استاد دکتر ناصر کاتوزیان در موارد ضمانت‌نامه‌های بانکی که در بخش قبلی درج شد، لازم است قبلاً به شایعترین ضمانت‌نامه‌های بانکی اشاره بنماییم. در حال حاضر، بیشترین رقم ضمانت‌نامه‌های بانکی مربوط به طرح‌هایی است که کارفرمایان آنها دستگاه‌های دولتی و به عبارتی، دستگاه‌های اجرایی هستند. کار از اینجا شروع می‌شود که دستگاه دولتی انجام و اجرای طرح یا پروژه‌ای را مناقصه می‌گذارد. برنده مناقصه می‌بایست قرارداد مربوط به اجرای طرح را با دستگاه مناقصه‌گذار، یعنی با کارفرما امضا کند. برای حصول اطمینان کارفرما، ضمانت‌نامه بانکی ارائه می‌شود که به موجب آن، بانک ضامن تضمین و تعهد می‌کند که چنانچه کارفرما به بانک اطلاع دهد که پیشنهاد شرکت کننده مورد قبول واقع شده و مشارالیه از امضای پیمان مربوط یا تسلیم ضمانت حسن اجرای تعهدات پیمان استنکاف نموده است، تا میزان... ریال هر مبلغی را که کارفرما مطالبه نماید، به محض دریافت اولین تقاضای کتبی واصله از کارفرما، بدون اینکه احتیاجی به اثبات

تحقق دین پرداخت آن را به عهده می‌گیرد. تفاوت التزام یاد شده با ضمان در این است که هیچ انتقال دینی در آن صورت نمی‌پذیرد، دین بر ذمه مدیون اصلی ایجاد می‌شود و تعهد ناظر به نادیه آن دین و تأمینی است که به طلبکار احتمالی داده می‌شود. پس، اگر شخصی به عنوان حسابدار در مؤسسه‌ای استخدام شود و دیگری، ضامن او گردد که اگر در محاسبات کسر آورد، او جبران خسارت کند، این التزام ضمان نیست و به این عنوان اعتبار ندارد، ولی بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی می‌توان آن را نافذ شناخت. همچنین، در موردی که شخصی ضامن حسن اجرای قراردادی می‌شود تا اگر خسارتی از عدم اجرای آن به بار آمد، از عهده برآید، نباید ملتزم را ضامن طرف قرارداد پنداشت و رابطه او و طلبکار را بر مبنای قواعد ضمان بررسی کرد، زیرا دینی را که او برعهده گرفته است، در زمان عقد وجود نداشته و سبب دین نیز تنها عقد نیست، بلکه مجموعی از عقد و تقصیر متخلف است...

تمیز بین دین آینده و دینی که سبب آن به وجود آمده است (در حکم دین موجود) گاه دشوار و نیازمند تحلیل دقیق عمل حقوقی انجام شده است. برای مثال، در قراردادی که پیمانکاری به منظور حمل غله از اداره غله گرگان به مقدار لازم گونی تحویل می‌گیرد و متعهد می‌شود که پس از تحویل گندم و جو، کیسه‌ها را رد کند و در صورتی که کیسه‌ها مفقود شود، بهای آنها بپردازد، هرگاه شخصی ضامن پیمانکار گردد، معلوم نیست که آیا تعهد ثالث را باید ضمان شمرد یا التزام به تأدیه دین؟ در مرحله دوم اگر التزام، ضمان باشد، درست است یا باطل؟ شعبه دوم دادگاه استان مازندران التزام ثالث را ضمان دانسته و قرارداد را بدین علت که مضمون‌عنه در زمان تحقق ضمان مدیون نبوده است، ضمان مالم یجب اعلام کرده و باطل دانسته است، ولی هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۴۱/۱۲/۲۲-۳۸۹۱ اعلام کرده است:

فرجام‌خواهنده (ضامن) حسن انجام تعهد پیمانکار را عهده‌دار شده و ملتزم گردیده که هرگونه خسارات ناشی از ضمان را به سود اداره غله و نان متحمل شود. به این عنوان، فرجام‌خواهنده متعهد است که اعمالی را انجام دهد و تطبیق این تعهد با باب ضمان (به شرح مقررات قانونی مدنی) به‌طوری که در حکم فرجام‌خواسته بیان شده، صحیح نیست، ولو فرجام‌خواهنده ضامن و پیمانکار

مضمون‌عنه نامیده شده باشند.

ولی احتمال قویتر این است که گفته شود: چون سبب دین پیمانکار در بازگرداندن گونی‌ها یا بهای آنها عقدی است که بین او و اداره غله منعقد شده است، اگر شخصی ضامن اجرای این تعهد شود، در واقع، ضامن دینی است که سبب آن ایجاد شده است. قانون، چنین دینی را در حکم موجود می‌داند (ماده ۶۹۱ قانون مدنی). پس ضمان از این حیث درست است. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که تعهد را نباید باطل دانست. اگر سبب دین ایجاد شده باشد، ضمان است و هرگاه دین آینده به حساب آید، التزامی است معلق که تابع قواعد عمومی قراردادها و ماده ۱۰ قانون مدنی است. تمیز این دو مورد نیز بر طبق ضابطه‌ای که ارایه شد، در هر مورد باید جداگانه انجام شود.

در این قسمت به درج تقریرات استاد دکتر سید محمود کاشانی نیز می‌پردازیم:

در حقوق ایران، ضمانت‌نامه بانکی تضمینی، نخست در معاملات دولتی رایج گردید و در مواد ۱۱ و ۱۴ آیین‌نامه معاملات دولتی، مصوب ۴۹/۱۲/۲۷ و سپس، در ماده ۳۴ شرایط عمومی پیمان پیش‌بینی شد. مستند قانونی این ضمانت‌نامه‌ها، قانون پولی و بانکی کشور، مصوب تیر ماه ۱۳۵۱ و تصمیمات شورای پول و اعتبار می‌باشد. همچنین، بند ۱۵ ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا، مصوب ۸ شهریورماه ۱۳۶۲ به‌طور صریح صدور این ضمانت‌نامه‌ها را از طرف بانک‌ها تجویز کرده است. امروز، دامنه این‌گونه ضمانت‌ها گسترش یافته و در روابط غیرقراردادی مانند تضمین حقوق و عوارض گمرکی نیز از این ابزار بانکی بهره‌برداری می‌شود. بدین ترتیب، از نظر قانونی، چنین ضمانت‌نامه‌هایی صحیح و معتبر هستند و مشکلی از جهت توجیه اعتبار قانونی آنها وجود ندارد. با این حال، شناخت ماهیت حقوقی ضمانت‌نامه بانکی دارای اهمیت است تا در صورت پیدایش اختلاف، بتوان درمورد آن تصمیم‌گیری کرد.

* تعیین شکل و شروط ضمانت‌نامه در اختیار طرفین است. چهارچوبی که در همه ضمانت‌نامه‌ها وجود دارد، مبلغ و مدت اعتبار آن است. طبیعت ضمانت‌نامه بانکی این است که بی‌قیدوشرط باشد. به همین جهت، بیشتر ضمانت‌نامه‌ها این گونه هستند.

* ضمانت‌نامه بانکی یک پدیده حقوقی

جدید است که مانند بسیاری از پدیده‌های حقوقی دیگر در پی پیشرفت روابط بازرگانی بین‌المللی وارد حقوق کشور شده است. همانند دیگر پدیده‌های حقوقی جدید نمی‌توان با توسل به قواعد حقوقی کهن و صرفاً از طریق اجتهاد شخصی به قواعد حاکم بر ضمانت‌نامه‌ها دست یافت.

* ضمانت‌نامه بانکی تضمینی نخست در حقوق آمریکا و انگلیس مورد پذیرش قرار گرفت و سپس، به صورت یک ابزار بازرگانی بین‌المللی درآمد.

* در مقایسه ضمانت‌نامه بانکی و وجه التزام گفته‌اند: وجه التزام همان خسارت ناشی از عدم انجام تعهد یا قصور در انجام آن است، ولی از دو جهت از ضمانت‌نامه مستقل متمایز است: در ضمانت‌نامه بانکی، بانک طرف قرارداد نیست، بانک شخص ثالث است، و حال آنکه وجه التزام تعهدی است که یکی از طرفین قرارداد در مقابل دیگری به عهده می‌گیرد. افزون بر آن، در ضمانت‌نامه بانکی صرف اعلام قصور پیمانکار برای مطالبه وجه آن از بانک کافی است و کارفرما نیاز به اثبات تخلف یا قصور پیمانکار ندارد و حال آنکه کارفرما در صورتی استحقاق دریافت وجه التزام را دارد که مراتب تخلف یا قصور پیمانکار را در دادگاه اثبات کند.

* پیش از اعلام تخلف و مطالبه ضمانت‌نامه، نمی‌توان آن را یک طلب برای ذینفع و یک بدهی برای بانک محسوب کرد و تنها در حد یک تضمین می‌باشد.

* بانوجه به این واقعیت که بانک باید ضمانت‌نامه را با اولین درخواست پرداخت کند، در این صورت، نمی‌تواند به دلایلی که از قرارداد پایه سرچشمه می‌گیرند، از پرداخت ضمانت‌نامه خودداری کند. بنابراین، ایراداتی مانند بطلان قرارداد پایه، فسخ قرارداد پایه و یا اجرای آن به گونه کامل از سوی پیمانکار و نیز ادعای تهاتر و یا انتقال طلب از سوی بانک صادرکننده ضمانت‌نامه، قابل استناد نخواهد بود.

* هنگامی که تعهد مبنای صدور ضمانت‌نامه اجرا شده باشد، درخواست پرداخت ضمانت‌نامه از سوی ذینفع موجه نیست. حال، اگر ذینفع به هر دلیل درخواست پرداخت ضمانت را بکند، اگر بانک با رعایت شرایط کلی ضمانت‌نامه را پرداخت کند، مسوولیتی برای بانک بوجود نمی‌آید، ولی دستوردهنده حق دارد علیه ذینفع که ضمانت‌نامه را بدون داشتن حق

دریافت کرده است، در دادگاه طرح دعوی کند.

* هرگاه در خود ضمانت نامه مرجع قضایی یا داوری ویژه ای برای رسیدگی به اختلافات احتمالی ذینفع و بانک صادر کننده ضمانت نامه پیش بینی نشده باشد، گفته شده است بر طبق قواعد کلی آیین دادرسی مدنی، دادگاه های محل اقامت ضامن دارای صلاحیت رسیدگی به اختلافات هستند.

* هنگامی که ذینفع درخواست پرداخت یک ضمانت نامه بی قید و شرط را می کند، بانک اصولاً باید فوراً وجه ضمانت نامه را پرداخت کند و نمی تواند درخواست توضیح و یا توجیهی بیشتر از ذینفع بکند. همچنین، بانک نمی تواند به بررسی در زمینه شیوه اجرای قرارداد پایه و ایرادات مربوط به آن بپردازد.

* کسی که ضمانت نامه به دستور و برای تضمین تعهد او صادر شده است، ممکن است درست یا نادرست بر این بناور باشد که درخواست پرداخت به طور ناروا صورت گرفته است... آیا موارد مورد نظر دستوردهنده صدور ضمانت نامه (در اصطلاح بانکی، مضمون عنه گفته شود) می تواند مبنای حقوقی کافی برای جلوگیری از پرداخت ضمانت نامه به صرف درخواست دستوردهنده از بانک باشد، زیرا طبیعت ضمانت نامه بانکی، بر پایه توافق های طرفین، بی قید و شرط بوده و اکنون دستوردهنده (مضمون عنه) نمی تواند به طور یک جانبه از تعهد قراردادی خود که طبق اصول کلی حاکم بر قراردادها، به ویژه ماده ۲۱۹ قانون مدنی^۹ نسبت به طرفین الزام آور است، پرهیز نماید. او خود به بانک دستور داده است ضمانت نامه ای صادر کند که مستقل بوده و با اولین درخواست قابل پرداخت باشد...

* بانکی که ضمانت نامه صادر می کند، در برابر ذینفع (در اصطلاح بانکی، مضمون له) مسوولیت دارد و باید بر طبق ضمانت نامه اگر بی قید و شرط است، با اولین درخواست پرداخت کند. اگر بانک از پرداخت خودداری کند، ممکن است به پرداخت خسارت محکوم شود، ولی در مواردی که بانک پیرو صدور دستور موقت یا قرار تأمین خواسته از پرداخت ضمانت نامه خودداری می کند، نمی توان مسوولیتی برای وی در نظر گرفت...^{۱۰}

جمع بندی و نتیجه

ضمانت نامه های بانکی از جهات مختلف دارای پایه و اساس صحیح حقوقی است، به این

شرح:

۱- بر مبنای عقد ضمان، در عین حال که طبق ماده ۶۹۱، ضمان دینی که هنوز سبب آن ایجاد نشده، باطل است، می توان قرارداد و معامله انجام شده بین دستگاه اجرایی و پیمانکار را سبب دینی دانست که بر ذمه پیمانکار قرار می گیرد و بانک تعهد و تضمین پرداخت آنرا می نماید (ضمانت نامه های شرکت در مناقصه و انجام تعهدات).

۲- التزام به تادیه، به شرحی که توضیح داده شد.

۳- به تجویز ماده ۱۰ قانون مدنی، رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد ضمانت نامه بانک تهران سابق، دال بر صحت و اعتبار ضمانت نامه بانکی است.

۴- ضمانت نامه پدیده حقوقی جدید است و نمی توان با توسل به قواعد کهن حقوقی به قواعد حاکم بر آن دست یافت.

مسأله مدت در ضمانت نامه های بانکی

قبلاً اشاره شد که طبق آیین نامه صدور ضمانت نامه ها، ضمانت نامه بایستی مدت داشته باشد، به این معنی که تعهد پرداخت بانک مقید و محدود به زمان اعتبار ضمانت نامه از لحاظ موعد و سررسید می باشد و قبل از انقضای موعد مذکور، بایستی از بانک مطالبه بشود. در ضمانت نامه صادره از طرف یکی از بانک ها به نفع مرجع قضایی، وجه آن ظرف مدت اعتبار ضمانت نامه مطالبه نشده بود که از نظر بانک باطل شده تلقی می شود، لکن مرجع قضایی معتقد به موعد و سررسید نبوده و اظهار می کرد که در هر حال، ضمانت نامه به قوت و اعتبار خود باقی است و بانک مکلف به پرداخت وجه آن می باشد. در هر حال، قید مدت در ضمانت نامه بانکی فاقد اشکال حقوقی است و از نظر بانک هم چون به تبع صدور ضمانت نامه روابطی بین بانک و متقاضی ضمانت نامه از لحاظ اخذ پشتوانه و وثیقه ایجاد می شود، با معلوم بودن مدت اعتبار ضمانت نامه، بانک با توجه به آن رابطه خود با متقاضی را تنظیم می کند.

مصوبه مجمع عمومی بانک ها

در جلسه ۸۶ مجمع عمومی بانک ها، مورخ ۶/۱۰/۲۱ تصمیاتی در مورد ضمانت نامه های بانکی اتخاذ شده که در حال حاضر هم لازم الرعایه اعلام شده است. بی مناسبت نیست در باره این موضوع که بعضاً هم عواقب قضایی به دنبال داشته است، نکاتی را مطرح کنیم. در

این مصوبه گفته شده که کلیه ضمانت نامه های صادره توسط بانک ها، در صورت ضبط توسط ذینفع، بدون قید و شرط پرداخت شود. البته چهار مورد از شمول این حکم مستثنی شده و سپس گفته شده است که در این گونه موارد، بانک موظف است پس از وصول درخواست ضبط از طرف ذینفع، در صورتی که نسبت به آن اعتراض ندارد، وجه ضمانت نامه را به حسابی که ذینفع مشخص کرده، پرداخت و در صورت اعتراض، مبلغ نقدی سپرده ضمانت نامه را به حساب کارفرما واریز و بقیه مبلغ ضمانت نامه را در حساب مسدودی به نام کارفرما نزد خود (حق برداشت از این حساب با بانک مرکزی است) واریز و تقاضای خود را مبنی بر رسیدگی به کمیسیون مرکب از نمایندگان بانک مرکزی ایران، سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک صادر کننده ضمانت نامه و ذینفع (کارفرما) ارسال نماید. این کمیسیون، سوابق را حسب مورد بررسی و نظریه اکثریت کمیسیون قطعی و لازم الرعایه است.

بدون اینکه وارد بحث در مورد کیفیت این مصوبه بشویم و اینکه اعتراض بانک به چه علت و به چه مناسبت می تواند باشد، مطلبی که ناگزیر از گفتن آن می باشیم، این است که این موضوع رودرروی ضمانت نامه های بدون قید و شرط صادره توسط بانک ها قرار گرفته است که توأم با عواقب قضایی است. به عنوان مثال، ذیلاً به دعوایی اشاره می کنیم که وزارت مسکن و شهرسازی با اینکه خود یکی از امضاکنندگان مصوبه بوده، علیه یکی از بانک ها طرح نموده و بانک را جدا و فارغ از تشریفات مقرر در مصوبه، محکوم به پرداخت وجه دوقفیه ضمانت نامه کرده است. اینک، تفصیل جریان کار:

یکی از بانک های سابق در سال ۱۳۵۶ ضمانت نامه هایی تحت شماره ۱/۸۳ و ۱/۸۴ مربوط به قرارداد منعقد شده بین یک شرکت و مدیریت مهندسی و تأسیساتی نیروی دریایی صادر کرده و گفته است: این بانک، متعهد است هر مبلغی را تا میزان... ریال که از طرف مدیریت مهندسی و تأسیساتی نیروی دریایی مطالبه شود، به مجرد دریافت اولین تقاضای کتبی، بدون اینکه احتیاجی به صدور اظهارنامه یا اقدامی از مجرای اداری یا قضایی و یا مقام دیگر و یا ذکر علتی داشته باشد، بلادرنگ مورد درخواست مدیریت... را در وجه یا حواله کرد مدیریت... بپردازد.

وزارت مسکن و شهرسازی (دفتر طرح‌های ساختمانی (نداجا) که در مقام مطالبه وجه ضمانت نامه برآمده و مواجه با عدم پرداخت بانک قائم مقام بانک صادر کننده ضمانت نامه‌ها شده، ناگزیر از طرح دعوی علیه بانک شده است. شعبه ۲۰ دادگاه عمومی تهران در تاریخ ۶۷/۶/۲۲ چنین نظر داده است: «...نظر به اینکه وجه ضمانت نامه‌های مذکور عندالمطالبه از جانب بانک... برای حسن اجرای تعهدات قرارداد فوق‌الذکر جهت شرکت... از ناحیه بانک... به استناد مواد ۳۴ و ۳۵ شرایط عمومی پیمان تعهد گردیده است... و نظر به اینکه ضمانت نامه‌های بانکی دارای ارزش و اعتبار قانونی می‌باشد و مصون از هرگونه تعرض و ایرادی است، لذا به استناد مواد ۶۸۴ و ۶۹۸ قانون مدنی که مضمون‌له می‌تواند وجه‌الضمان را از ضامن هر وقت اراده نماید، مطالبه نماید، به استناد مواد مارالذکر و مفاد ضمانت نامه‌های تنظیمی از جانب بانک خواننده محرز و به نظر دادگاه محکوم است که مجموع ارقام ضمانت نامه‌های فوق‌الذکر به مبلغ ۶۱۰۳۹۲۳۳ ریال را در حق خواهان بپردازد.»

چون این نظریه قابل اعتراض بوده، وکیل بانک در تاریخ ۶۷/۸/۱۶ چنین به دادگاه اعلام نموده است: «مجمع عمومی بانک‌ها به منظور تنظیم جریان پولی بانک‌ها و اقتصاد کشور، در هشتمادوشمین جلسه خود مقرر داشته ادارات دولتی و قتی حق دریافت وجوه ضمانت نامه‌های پیمانکاران را از بانک‌ها دارند که اجازه کمیسیون بررسی ضبط ضمانت نامه وزارت امور اقتصادی و دارایی را تحصیل نمایند که این تصمیم طبق اختیار حاصله از قانون پولی و بانکی کشور لازم‌الاجرا می‌باشد. نظر به اینکه خواهان دعوی مکلف بوده هنگام طرح دعوی اجازه کمیسیون بررسی ضبط ضمانت نامه وزارت امور اقتصادی و دارایی را تحصیل و ضمیمه نماید و از انجام این تکلیف قانونی خودداری کرده، دادگاه نیز در نظریه خود به این معنی توجیه معطوف نداشته، لذا نظریه صادره دارای ایراد و فاقد وجاهت قانونی است...»

باوجود اعتراض بانک، شعبه مذکور در تاریخ ۶۹/۶/۱۱ بانک را محکوم به پرداخت مجموع ارقام ضمانت نامه‌های مورد بحث در وجه خواهان (وزارت مسکن و شهرسازی) می‌نماید، متعاقباً بانک نیز وجه ضمانت نامه‌ها را می‌پردازد.

از بیان مطالب فوق به دو نتیجه می‌رسیم: اول اینکه، وزارت مسکن و شهرسازی که خود از امضاکنندگان مصوبه بوده، منتظر نظریه کمیسیون نشده و وجه ضمانت نامه‌ها را از طریق مرجع قضایی از بانک وصول کرده است. دوم اینکه، متن ضمانت نامه‌های بانکی به لحاظ بدون قیدوشرط بودن آنها از نظر قضایی، تاب مقاومت در برابر مصوبه مجمع عمومی بانک‌ها را ندارد و احتمال تکرار چنین محکومیت‌هایی می‌رود که به استنباط دادگاه‌ها از متن ضمانت نامه‌ها هم نمی‌توان ایراد گرفت. پس، بجاست که موضوع مورد توجه مراجع ذیربط قرار گیرد.

نکته: در شرح بالا عبارت «ضبط ضمانت نامه» عیناً از متن مربوط نقل شد که برای علاقمندان به مسایل حقوقی بانکی احتیاج به توضیح دارد. عبارت «ضبط ضمانت نامه» که با کمال تأسف و رواج پیدا کرده، بیان صحیحی نیست، زیرا ضمانت نامه «ضبط» نمی‌شود، بلکه وجه آن از طرف مضمون‌له مطالبه می‌شود و بانک نیز وجه ضمانت را می‌پردازد. بی‌مناسبت نیست گفته شود که دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی در مسأله بروز اختلاف بین مؤسسات ایرانی و شرکت‌های خارجی مربوط به قراردادهای منعقد فی مابین، تقاضای «ضبط ضمانت نامه» را با توجه به مفهوم قضایی معادل آن در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، مورد مشکلاتی به زبان مؤسسات ایرانی در مراجع قضایی خارجی دانسته و ضمن بخشنامه مورخ ۶۳/۳/۱۶ خطاب به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت پیشنهاد کرده است که من بعد به جای واژه «ضبط ضمانت نامه» از واژه «درخواست ضمانت نامه» (به فرانسوی Appel Des Garanties و به انگلیسی To Call The Letters of Guarantee) استفاده کنند.

منظور از اشاره به این بخشنامه این است که عبارت «ضمانت نامه» از لحاظ مفهوم لغوی آن در زبان‌های خارجی هم مردود است. لذا در ضمانت نامه‌هایی هم که بانک‌های ایرانی به نفع اشخاص حقیقی یا حقوقی صادر می‌نمایند، بکار بردن «مطالبه وجه ضمانت نامه» ارجح و اصلح است. درواقع، بانک صادر کننده ضمانت نامه هم وجه آنرا با مطالبه ذینفع ضمانت نامه می‌پردازد.

در نتیجه، نه ذینفع، ضمانت نامه را ضبط می‌کند و نه بانک صادر کننده ضمانت نامه.

استیفای حقوق بانک

در بحث مربوط به پشتوانه صدور ضمانت نامه گفته شد که بانک صادر کننده ضمانت نامه بایستی برای برگشت منابع خود در صورت پرداخت وجه ضمانت نامه، پشتوانه و تأمین لازم و کافی را داشته باشد. با این ترتیب، پس از پرداخت وجه ضمانت نامه، هرگاه مضمون‌عنه در مقام پرداخت وجه پرداختی بانک به بانک برنیاید، بانک ناگزیر است به استناد پشتوانه‌ها و تأمین‌های مأخوذه اقدام به برگشت منابع خود بنماید. نوع اقدام بستگی به نوع پشتوانه و تأمین دارد، به این معنی که هرگاه سفته گرفته باشد، اقدام به واخواست و طرح دعوی می‌نماید. هرگاه وثیقه ملکی گرفته باشد، به استناد قرارداد مبادرت به صدور اجراییه از طریق اجرای ثبت می‌نماید.

بایستی دقت داشت که قبل از پرداخت قطعی وجه ضمانت نامه، بانک صادر کننده نمی‌تواند به استناد پشتوانه تأمین مأخوذه به مضمون‌عنه مراجعه کند. طبق ماده ۷۰۹ قانون مدنی، ضامن حق رجوع به مضمون‌عنه ندارد، مگر بعد از ادای دین. در پاره‌ای موارد، مخصوصاً در مورد ضمانت نامه‌هایی که به کمیسیون موضوع مصوبه مجمع عمومی بانک‌ها ارجاع شده، دیده شده است که بانک فرضاً به استناد سفته‌های مأخوذه از مضمون‌عنه مبادرت به طرح دعوی علیه مسوولان پرداخت نموده است. نظر به اینکه در این قبیل موارد پرداخت قطعی وجه ضمانت صورت نمی‌پذیرد، اقدام قضایی علیه مضمون‌عنه محمل حقوقی نداشته و چنین دعوایی محکوم به رد خواهد بود.

یادآور می‌شود که آنچه فعلاً در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، ضمانت نامه‌های ریالی بود که مورد عمل سیستم بانکی کشور می‌باشد. ■

زیر نویس‌ها

۹) عقود که بر طبق قانون واقع شده باشند، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است، مگر این که به رضای طرفین، اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.

۱۰) ضمانت نامه بانکی / تقریر دکتر سپید محمود کاشانی / از انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران / چاپ سال ۱۳۷۷.

ادغام بانک‌ها و حذف فرصت‌های شغلی

عوامل انسانی نیز یک دلیل عمده شکست محسوب می‌شود.

گزارش سازمان بین‌المللی کار به پژوهشی که به وسیله شرکت حسابداری مشاوره‌ای KPMG صورت گرفته، استناد می‌کند و به این نکته اشاره دارد که ادغام و تملیک‌ها معاملاتی هستند که احتمالاً بیشتر از ۲۶ درصد موفقیت‌آمیز هستند، به شرطی که به گونه رضایت‌بخشی به مسایل فرهنگی توجه شده باشد، زیرا در غیر این صورت، در مرحله بعد از انجام معامله، شانس موفقیت شرکت‌های ادغام شده، به طور جدی مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

عوامل فرهنگی یاد شده به احتمال زیاد از فعالیت‌های ادغام و تملیک که به طور چشمگیری در بین ملت‌های گوناگون رواج یافته، قابلیت تأثیرگذاری بیشتری دارند.

گزارش مزبور می‌افزاید: ادغام‌ها به دلایل متعددی، از جمله علاقمندی به تلاش‌های مربوط به یکپارچگی بازارهای اشباع شده در سطح اقتصادهای مولد و نیز افزایش دارایی به عنوان منبعی برای پذیرش نهایی در یک اقتصاد مبتنی بر رقابت فزاینده و در مقیاس جهانی در مدنظر قرار گرفته‌اند.

بررسی کشورها در مناطق مختلف جهان
از آنجایی که آمارهای رسمی ارایه شده در خصوص بانکداری و خدمات مالی در سطح جهان، شمار فزاینده کارمندان را که به طور غیرمعمول استخدام شده‌اند نیز شامل می‌شود، لذا بی‌بردن به تعداد دقیق افرادی که سالانه در این حوزه شغل خود را از دست می‌دهند، کار دشواری است. روند کاهش فرصت‌های شغلی معمولاً در نتیجه افزایش روزافزون استفاده از اطلاعات، تکنولوژی ارتباطی و بهره‌گیری از خدمات افراد خارج از شرکت‌ها - که سابقاً وظایف آنان را کارمندان داخلی انجام می‌دادند - تشدید می‌شود. به عنوان نمونه، در اسپانیا، در نتیجه ادغام اولین و سومین بانک بزرگ کشور، بانک BSCH تشکیل شده است. بانک مذکور در نظر دارد که در خلال سال‌های ۲۰۰۲ - ۱۹۹۹ حدود ۴۵۰۰ فرصت شغلی را حذف کند. در اولین مرحله فرآیند یاد شده، ۲۴۰۰ تن از کارمندان مازاد بر احتیاج به طور داوطلبانه، قبل از انجام معامله ادغام با اتحادیه‌های تجاری به مذاکره پرداختند. بین سال‌های ۱۹۹۷ - ۱۹۹۱ بخش بانکداری اسپانیا ۲۳۰۰۰ فرصت شغلی را

هزار نفر از کل ۱۳ هزار نفر کارمندان مازاد شرکت بین‌المللی فوق را پیش‌بینی کرده‌اند و تا سپتامبر سال ۲۰۰۰ حدود یک هزار و ۲۸۵ کارمند در سوییس عملاً مشاغل خود را از دست داده‌اند.

تب و تاب ادغام و کاهش مشاغل

این کاهش چرا صورت گرفته است؟ در گزارش سازمان بین‌المللی کار آمده است: وقتی حجم کارمندان زیاد باشد، سودهای کلان حاصل نمی‌شود و میزان کارایی کاهش می‌یابد و به واسطه افزایش پیچیدگی امور و از دست دادن وابستگی به سازمان‌های نامتعادل، دشواری‌های اختلاط فرهنگی و دیگر عوامل انسانی آن‌طور که باید و شاید در ادغام و به هم پیوستن شرکت‌ها اغلب دست کم گرفته می‌شوند.

این گزارش حاکی است که اغلب تاکامی‌ها در معاملات مربوط به ادغام و تملیک، ناشی از نقایصی است که در ارتباط با حذف یا کاهش شدید نیروی انسانی حاصل شده است. این روند ممکن است به طور جدی توانایی‌های عملیاتی و توان کارکنان را دچار ضعف سازد. بازسازی نیروی انسانی در بخش مالی یکی از مهمترین پیامدهای ادغام می‌باشد که منجر به ثبات شرکت‌ها می‌شود.

گزارش مزبور می‌افزاید: از سوی دیگر، کاهش امنیت شغلی، افزایش حجم کار، فشار و نگرانی از جمله مشکلات ناشی از ادغام‌ها می‌باشند. بدیهی است که تمامی این مسایل می‌توانند اثرات سویی بر عملکرد شرکت‌ها در محیط‌های کاری مبتنی بر رقابت شدید برجای گذارند.

گزارش مزبور دو هدف متضاد را نشان می‌دهد که در پرداخت‌های بخش مالی مشهود است: ضرورت کاهش هزینه‌های نیروی انسانی، به همراه رقابت فزاینده و کاهش سودآوری. همچنین، پرداخت غرامت و دادن پاداش مناسب به عملکرد کارکنان و در نظر گرفتن اینکه محیط و فضای کاری به طور دایم در حال دگرگونی است.

تحلیل سازمان بین‌المللی کار هم چنین بر این نکته تأکید دارد که اجرای برنامه‌های ادغام مستلزم مدیریت دقیق و حساس و توجه به مسایل کارکنان و تأثیرات گسترده‌ای است که بر حقوق کارگران می‌گذارد. بدین ترتیب، ضرورت افزایش گفتگوهای دسته‌جمعی مابین کارفرمایان و کارکنان در تمامی مراحل فرآیند ادغام و تملیک احساس می‌شود. مطابق گزارش مزبور، غفلت از

هر قدر که بانک‌ها با یکدیگر ادغام می‌شوند، یا مالکیت دیگر شرکت‌ها را به دست می‌آورند، به نظر می‌رسد که کارمندانشان را نیز اخراج می‌کنند. گزارش جدیدی که توسط برنامه فعالیت‌های منطقه‌ای سازمان بین‌المللی کار صورت گرفته - تحت عنوان «تأثیر استخدام، ادغام‌ها و تملیک‌ها در بخش خدمات مالی و بانکداری»* - تأییدکننده مطلب فوق می‌باشد.

بر اساس گزارش یاد شده، صرف نظر از انگیزه ادغام، این‌گونه معاملات (Merger & Acquisition - M&As) یا اعلام کاهش مشاغل - گاهی نیز در مقیاسی چشمگیر - توأم می‌باشند.

گزارش سازمان بین‌المللی کار همچنین نقل می‌کند که یک برآورد محافظه کارانه نشان می‌دهد که حداقل ۱۳۰ هزار مورد از فرصت‌های شغلی امور مالی اروپای غربی در اثر ادغام و تملیک‌ها طی دهه ۱۹۹۰ از بین رفته‌اند و پیش‌بینی می‌کند که تقریباً ۳۰۰ هزار مورد از مشاغل بانکداری نیز در خلال سال‌های ۲۰۰۲ - ۱۹۹۹ بر اثر ادغام‌ها از بین بروند.

در ایالات متحده آمریکا شمار بانک‌های بازرگانی نسبت به دهه منتهی به ۱۹۹۵ کاهش یافته در حدود ۳۰ درصد را نشان می‌دهد، حال آنکه میزان استخدام نسبت به دهه ۱۹۹۴ - ۱۹۸۴ به حدود ۵ درصد کاهش یافته است.

بانک‌های انگلیسی به دلایل متنوعی از جمله M&As، شمار کارمندان خود را به ۱۵۰ هزار نفر کاهش داده و یک چهارم مجموع شبکه شعب خود را در حداثا سال‌های ۲۰۰۰ - ۱۹۹۰ تعطیل کرده‌اند.

در آلمان ادغام نافرجام Deutsch Bank و Dersdner Bank حذف شش هزار فرصت شغلی را به دنبال داشت.

در کشورهای اسکانديناوی، کاهش تعداد کارکنان بانک‌ها و شعب طی سال‌های ۱۹۹۹ - ۱۹۹۵ به طور متوسط ۳۰ درصد بود و این رقم در کشور فنلاند کاهش در حدود ۵۰ درصد را نشان می‌دهد.

در سوییس Union Bank of Switzerland و اتحادیه بانکداری سوییس ریزش حدود هفت

* The employment impact of mergers and acquisitions in the banking and financial services sector.

زمان زیادی است، از مقامات امنیتی کمک بگیرد. در مقابل، اتحادیه‌های تجاری به دلایل زیر هیچکدام از استدلال‌ات فوق را قبول ندارند: حق برخوردی از اطلاعات و مشاوره از جمله حقوقی است که قانون آن را محترم شمرده است، اما این حق نافی حق انحصاری تصمیم‌گیری از سوی مدیران شناخته نمی‌شود و از سوی دیگر، هیچگونه نشانه‌ای دال بر اینکه نمایندگان اتحادیه‌های تجاری، قوانین محرمانه بودن اطلاعات شرکت‌ها را نقض کرده‌اند، دیده نشده است.

اگرچه منطقه شمال اروپا شاهد بیشترین فعالیت‌ها در زمینه ادغام و تملیک در این قاره می‌باشد، اما گزارش کنفدراسیون اتحادیه‌های بیمه، تأمین مالی و بانکی نوردیک (NFU) حاکی از آن است که روند ادغام‌های بین‌المللی براساس قوانین موجود، رو به گسترش است و نتیجه این ادغام‌ها هم رضایت بخش بوده است، هرچند که ممکن است بعضی از عواقب منفی این‌گونه ادغام‌ها کم اهمیت پنداشته شود. NFU هم چنین معتقد است که ادغام‌ها در بازارهای منطقه‌ای مستلزم اخراج گسترده کارکنان محلی است و این امر می‌تواند چشم‌انداز آینده را وخیم‌تر سازد. کارگران و نمایندگان آنان در کشورهای دیگر - حتی در بعضی از کشورها که الزامات قانونی درخصوص کسب اطلاعات مشاوره وجود دارد - از این مسأله که اطلاعات موردنیاز به آنها ارایه نمی‌شود یا تنها بعد از انجام عمل ادغام به آنان داده می‌شود، به شدت گلیه دارند. با این همه، ادغام‌های شمال اروپا نشان می‌دهد که بدون تردید مشارکت کارگران در روند ادغام می‌تواند در موفقیت‌آمیز بودن و دستیابی به اهداف ادغام تأثیر بسزایی داشته باشد. مذاکرات دسته‌جمعی در دوران پس از ادغام هم باعث می‌شود که مدیریت و کلیه اتحادیه‌های تجاری شرکت‌های ادغام شده با یکدیگر ارتباط داشته باشند. این امر باعث کاهش بی‌ثباتی و جلوگیری از فرسودگی محیط روابط صنعتی خواهد شد.

روبهرفته، ادغام فرصت مناسبی است برای اینکه دوطرف نیازهای یکدیگر را بهتر بشناسند و از طریق مشارکت، هماهنگی لازم بین اهداف سازمان و منافع کارکنان حاصل آید. ■

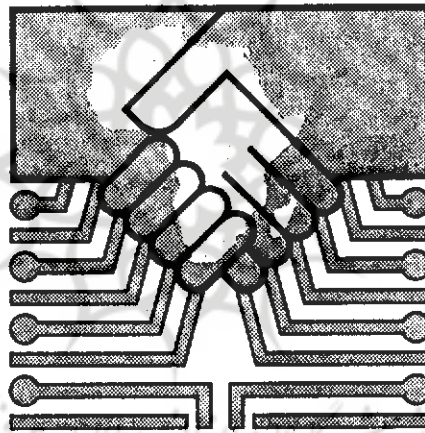
مأخذ: World of Work

ترجمه: سهیل ایلداری

شغلی در شعب می‌باشد و در این خصوص، مشاغل سطح پایین که اغلب زنان تصدی‌گری آنها را به عهده دارند، مشمول مقررات حذف پست‌های سازمانی شده‌اند.

گزارش مذکور در ادامه حاکی از آن است که دلایلی وجود دارد که این‌گونه ادغام‌ها باعث شده است که تبعیض‌های جنسیتی درخصوص اخراج کارکنان صورت پذیرد و ممکن است اجرای این قبیل برنامه‌ها اثرات معکوس داشته باشد.

بدیهی است که اجرای صحیح برنامه ادغام مستلزم مدیریت بسیار دقیق و توجه به مسایل کارکنان می‌باشد، بدین ترتیب که فروشندگان همگی باید به‌طور منسجم فعالیت کنند، مسوولیت‌های مدیریت باید دوباره تعریف شوند، تسهیلات بایستی در یکدیگر تلفیق شوند و کارکنان مازاد بر احتیاج نیز بایستی اخراج شده و یا محل کار برخی از آنان جابجا شود.



▲ ادغام، فرصت مناسبی است برای هماهنگی بین اهداف سازمان و منافع کارکنان.

بعضی از مدیران معتقدند که مسایل فوق‌الذکر دلایل مناسبی برای توجیه این مسأله است که نباید کلیه اطلاعات را قبل از انجام ادغام به کارکنان ارایه کرد، زیرا اگر کارکنان از جریانات یادشده مطلع شوند، ممکن است از ترس اینکه شغلشان را از دست بدهند، در روند انجام معامله ادغام، اختلالاتی را بوجود آورند. گروه دیگری از مدیران استدلال می‌کنند که اگر اطلاعات مذکور، قبل از موعد مقرر افشا شود، این امر امکان خرید و فروش سهام شرکت به‌طور غیرقانونی را فراهم آورده و بدین ترتیب، شرکت باید برای تحقیق و بررسی در این زمینه که همراه با صرف هزینه و

هم عمدتاً به واسطه تدابیری از قبیل بازنشستگی حذف کرده است.

در جمهوری چک، به‌واسطه اصلاحات اقتصادی، خصوصی‌سازی و ادغام‌های بخشی، صنایع مالی دچار تحول شده‌اند و شمار کارکنان بانک‌ها نسبت به سال ۱۹۹۵، در حدود ۲۲ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، در خلال سال‌های ۱۹۹۹ - ۱۹۹۶، تعداد ۱۴۰۵ شعبه یا نمایندگی بانک‌های بزرگ تعطیل شده و به این ترتیب، ۱۲۱۱۱ فرصت شغلی از دست رفته است.

همچنین، یک ادغام بزرگ بانکی در استرالیا منجر به کاهش نیروی انسانی به میزان ۲۸ درصد شده است.

در تایلند نیز ادغام دو بانک موجب شد که دوسوم از نیروی انسانی ۹۱۰۹ نفری بانک‌های مذکور، کار خود را از دست بدهند.

در کشور برزیل طی دهه گذشته، ۷۹۰۰۰ فرصت شغلی در بخش خدمات مالی و بانکداری از دست رفته است.

این درحالی است که طی سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۹ در بخش خدمات مالی آرژانتین نیز ۲۲۰۰۰ فرصت شغلی حذف شده است.

بانک‌های ژاپنی نیز که زمانی به عنوان پایگاه‌های استخدام مادام‌العمر شناخته می‌شدند، اکنون در حال ادغام و کاهش نیروهای انسانی خود می‌باشند. گزارش مذکور اشاره می‌کند که موجی از ادغام‌های بزرگ در ژاپن مشاهده می‌شود و به نظر می‌رسد که یک نمونه از این ادغام‌ها منجر به تشکیل سومین گروه مالی و بانکی بزرگ جهان شود. و انتظار می‌رود که روند ادغام‌های یاد شده منجر به اخراج گسترده کارکنان مازاد بر احتیاج بانک‌ها شود، اگرچه سه کمپانی بزرگی که در ژاپن در یکدیگر ادغام شده‌اند (IBJ, FUJI و DKB) اظهار داشته‌اند که ترجیح می‌دهند کاهش کارکنان مازاد بر نیاز خود را عمدتاً از طریق افت طبیعی نیروی انسانی انجام دهند تا از طریق اخراج آنان.

به هر حال، روند کاهش پرسنل، آشکارا در سرتاسر صنعت بانکداری و امور مالی ژاپن هم مشاهده می‌شود و بانک‌های ژاپنی متعهد شده‌اند که به ازای دریافت مقادیر فراوانی وجوه دولتی، طی سه سال آینده، ۲۰۰۰۰ فرصت شغلی را حذف کنند.

از لحاظ جنسیتی، کاهش نیروی انسانی اکثراً در حوزه کارهای عملیاتی همانند فرصت‌های

سیستم بانکی از نگاه مطبوعات

هفتگی - ۸۰/۲/۱۶

اوراق مشارکت بر اقتصاد ایران تأثیر معکوس دارد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تأمین منابع مالی اجرای طرح نواب توسط شهرداری تهران به طریق اوراق مشارکت، بی‌گمان نخستین تجربه تأمین مالی به این شیوه بوده است، به طوری که پس از آن، دولت طی چند سال اخیر سالانه به بهانه‌های گوناگون نسبت به فروش اوراق مشارکت اقدام کرده و قرار است امسال نیز این کار را انجام دهد.

این درحالی است که گفته می‌شود، در جریان فروش اوراق مشارکت عمده‌ترین خریداران این اوراق بانک‌ها هستند و این اقدام کمکی به جذب سرمایه‌های مردمی نمی‌کند. در مورد ابعاد تأثیر فروش اوراق مشارکت بر اقتصاد، با دکتر جلالی نایینی، استاد اقتصاد دانشگاه گفت‌وگو کرده‌ایم:

● آقای دکتر! فلسفه انتشار اوراق مشارکت

طی چند سال اخیر از سوی دولت چه بوده است؟

○ بانک مرکزی از اوایل دهه ۷۰ به دنبال ابزاری برای کنترل نقدینگی بوده، ضمن اینکه برای تأمین هزینه‌های خود یا باید مالیات را افزایش می‌داد یا پول چاپ می‌کرد و یا اوراق مشارکت منتشر می‌نمود که تاکنون سومین راه حل مذکور یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مالی دولت بوده است.

● آیا تأثیر انتشار اوراق مشارکت روی اقتصاد ما مثبت بوده است؟

○ به نظر بنده، این کار روی تغییر کمیت پول تأثیری نداشته، اما نرخ بهره را افزایش داده و از آنجا که بخش خصوصی به بازار سرمایه دسترسی ندارد، هزینه سرمایه برای آن بالا رفته است.

● اما مگر نه این است که یکی از اهداف انتشار اوراق مشارکت جذب نقدینگی و کنترل آن در جامعه است؟

● ولی این اقدام مورد استقبال عمومی قرار گرفت؟

○ بله، همانطور که گفتم، برای شروع خوب بود، اما نباید انتظار داشته باشیم با این میزان اندک کاهش، اتفاق خاصی بیفتد.

● شما چه راه حلی را پیشنهاد می‌کنید؟

○ ما همیشه می‌خواهیم فرمول‌های معتبر اقتصادی دنیا را در اقتصاد بیمار و دولتی خودمان پیاده کنیم تا بگوییم مطابق برنامه پیش می‌رویم، اما نباید فراموش کنیم تا وقتی اقتصاد دولتی است و خودمان هم تمایلی به واگذاری اختیارات به بخش خصوصی نداریم، کاری از پیش نمی‌رود.

● اما خصوصی سازی یکی از اهدافی است که به شدت دولت آن را دنبال می‌کند؟



○ قبول ندارم. از سال ۶۸ تا کنون، یعنی بیش از ۱۰ سال است می‌خواهیم خصوصی سازی کنیم، اما کار پیش نمی‌رود، یعنی مرتب شرکت‌های سرمایه‌گذاری درست کردیم که ماهیت دولتی دارند، شرکت‌های خصوصی زدیم که مدیران آنها دولتی هستند.

● پس شما معتقدید با این میزان کاهش در نرخ [سود] سپرده‌ها، سرمایه‌های عمومی جذب تولید نمی‌شود؟

○ دقیقاً.

● در مورد نرخ تسهیلات بانک‌ها به متقاضیان چه طور؟

○ نرخ سود تسهیلات هم هنوز بالا است و باید خیلی پایین‌تر از این حرف‌ها بیاید. مگر غیر این است که این تسهیلات صرف صنعت می‌شود. پس باید فکر اساسی تر کنیم.

بریده‌هایی از مطالب منتشر شده در نشریات

راجع به سیستم بانکی را در این صفحات ملاحظه می‌فرمایید. هدف از این کار آرایه تصویری کلی از جایگاه سیستم بانکی در نزد افکار عمومی و چگونگی واکنش مطبوعات در مقابل کارکردهای این نهاد مالی است.

لطفاً اگر نظر یا پیشنهادی درباره این صفحات دارید، برای ما بفرستید.

بانک و اقتصاد

هفتگی - ۸۰/۲/۱۶

به خاطر فرار از فشار افکار عمومی

شورای پول و اعتبار نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی را بین نیم تا یک درصد کاهش داد...

در مورد ارزیابی این تصمیم با علی جنابی، محقق و کارشناس مسایل اقتصادی گفتگو کرده‌ایم:

● مصوبه جدید شورای پول و اعتبار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ برای شروع بد نبود و این مصوبه اگر چه ضروری بود، اما میزان نرخ سودی که کاهش یافت، کافی نبود.

● به نظر شما، سود سپرده‌های بانکی باید تا چه میزان پایین بیاید؟

○ پاسخ به این سؤال نیاز به مطالعات همه‌جانبه دارد تا به یک نرخ معقول برسیم، اما آنچه مسلم است، با نیم یا یک درصد کاهش اتفاق خاصی نخواهد افتاد و اقتصاد کشور به هدف خود که هدایت سرمایه‌های مردمی یا بخش خصوصی به تولید است، نخواهد رسید.

● اگر اینچنین است، فکر می‌کنید دلیل این کار از سوی شورای پول و اعتبار چه بوده است؟

○ من فکر می‌کنم این اقدام به دنبال فشارهای کارشناسان، صنعتگران، مطبوعات و رسانه‌های ماه‌های اخیر صورت گرفت تا حداقل برای چند سالی از فشار افکار عمومی خبری نباشد.

کارواگر - ۸۰/۲/۱۸

خروج بانکها از شمول قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق

عده‌ای از کارکنان بانکها خواستار تسریع در اجرای قانون خروج بانکها از شمول قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق شدند.

با وجود گذشت پیش از یک سال از تصویب این قانون توسط مراجع ذیصلاح، به علل نامعلومی تاکنون اجرا نشده است.

اجرای این قانون، نقش بسزایی در افزایش حقوق و مزایای کارکنان بانکها، به خصوص در حقوق بازنشستگی آنان دارد.

این قانون بر اساس شرایط ویژه شغل بانکداری به تصویب رسیده است. با توجه به حساسیت شغل بانکداری، هزینه اشتباه در محاسبه و پرداخت پول موجب ایجاد مشکلاتی برای کارکنان و مراجعه کنندگان می‌شود.

تصویب و ابلاغ قانون خروج بانکها از نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت در سال ۷۸ موجب خوشحالی کارکنان بانکها شد، اما تأخیر طولانی در اجرای این قانون، آنان را نگران کرده است.

در گذشته، پرداخت حقوق کارکنان بانکها با نظام پرداخت دیگر کارکنان دولت متفاوت بود، اما با تغییر سیستم بانکداری در کشور، پرداخت حقوق کارکنان بانکها نیز تغییر کرد و با دیگر کارکنان دولت همسان شد. تأخیر در اجرای این قانون، با وجود ابلاغ آن به بانکها، توجیه منطقی ندارد.

در صورت اجرای این قانون، حقوق کارکنان بانکها حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش می‌یابد. تأخیر در اجرای این قانون، به علت کثرت شمار کارکنان بانکها و صدور احکام آنان براساس موارد تعیین شده در آیین‌نامه اجرایی آن است. این موارد شامل بررسی مدرک تحصیلی، وضعیت تأهل، سابقه کاری و شغل کارکنان بانکها عنوان می‌شود.

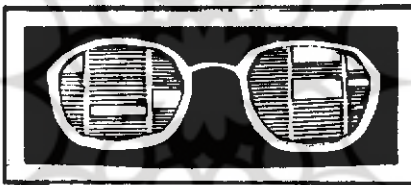
بررسی هر یک از این موارد نیازمند زمان طولانی است که با وجود این مشکلات تاکنون ۲۰ درصد از مطالبات آنان به صورت علی‌الحساب در شش ماهه نخست سال ۷۹ و به همین میزان ابتدای امسال پرداخت شده است. لازمه تسریع در اجرای این قانون و خروج از نظام هماهنگ پرداخت حقوق، تعویض

به دلیل اینکه دولت توان کنترل و نظارت لازم را روی امنیت اقتصادی ندارد، نوسان در قیمت مشاهده می‌شود.

وی اضافه کرد: در تمام دنیا بانکها همیشه عامل تولید و سرمایه‌گذاری هستند و با جمع کردن پس‌اندازهای اندک مردم، در امر تولید و سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کنند، ولی در ایران بانکها عامل کارهای خدماتی هستند و در راه تولید و سرمایه‌گذاری مؤثر نیستند.

منشی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی در ادامه یادآور شد: بانکهای کشور ما به دنبال سود هستند و سود هم در کارهای خدماتی و دلالی وجود دارد. بنابراین، اخذ وام برای کارهای تولیدی و سرمایه‌گذاری بسیار مشکل می‌شود. یک تولیدکننده برای گرفتن وام باید از هفت خوان رستم بگذرد و با وجود این بوروکراسی پیچیده، دچار پشیمانی می‌شود.

وی همچنین با اشاره به عدم وجود رقابت سالم در اقتصاد ایران اظهار داشت: بانکهای ما چون در اختیار دولت هستند، به صورت



انحصاری عمل می‌کنند و به جای این که بانکها به دلیل رقابت به دنبال مردم باشند، در ایران مردم به دنبال بانکها می‌دوند. اگر در این مسأله اصلاحات جدی به عمل بیاید و قوانین و مقررات مالیاتی بر اساس سود تولیدگرایانه و سرمایه‌گذاری تغییر کنند، بسیاری از مسایلی اقتصادی کشور رفع می‌شود.

وی همچنین با تأکید بر لزوم اصلاح نظام مالیاتی، شیوه اخذ وام و شرایط استفاده از سرمایه‌های مردم، خاطر نشان کرد: باید به فعالیت‌های سالم اقتصادی که در اثر رقابت انجام می‌شود، سود تعلق بگیرد نه به خدمات، دلالی، انحصارگری در بازار و نه به رانت‌خواری.

وی با اشاره به این مطلب که رانت در ایران حرف اول را می‌زند، گفت: در مسایلی اقتصادی مشکل رانت در سر راه سرمایه‌گذاری وجود دارد که باید با تعویض دیدگاه، شاهد ثبات نسبی در بازار باشیم، وگرنه همیشه در اثر یک بخشنامه کوچک دچار بی‌ثباتی بازار می‌شویم.

○ بله، اما متأسفانه در ایران این اتفاق نمی‌افتد.

● چرا؟

○ زیرا اگر درجه جایگزینی اوراق مشارکت و پول را بررسی کنیم، خواهیم یافت که اوراق به قیمت اسمی جابه جا می‌شوند و بنابراین، اوراق مشارکت یک جایگزین کامل برای پول هستند. بنابراین، از آنجا که در صورت عدم وجود مشتری خریداران نهایی نیز خود بانکها هستند، بنابراین، فروش اوراق مشارکت تأثیری روی کاهش نقدینگی ندارد.

● برای اینکه انتشار اوراق مشارکت تأثیر مثبت روی اقتصاد بگذارد، چه باید کرد؟

○ در ایران پول اوراق مشارکت صرف هزینه‌های جاری می‌شود، در حالی که باید سرمایه‌گذاری عمرانی صورت گیرد. اما اگر بین سیاست پولی و سیاست مالی هماهنگی ایجاد شود و کسری بودجه دولت به عنوان ملاک محاسبه قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود نرخ بازدهی اوراق مشارکت مثبت شود.

● تا چه اندازه می‌توان به حاکم شدن انضباط مالی دولت امیدوار بود و اطمینان داشت؟

○ فعلاً هیچ اطمینانی نیست و برای اینکه انضباط حاکم شود، فقط باید نهادهای ناظر وجود داشته باشند.

● در جریان فروش اوراق مشارکت دیده شده پیش از خرید مردمی، بانکها بخش عمده اوراق را می‌خرند. تأثیر این عمل چیست؟

○ این کار خیلی تأثیر بدی دارد و منجر به اثر رانتی می‌شود، به طوری که پایه پولی رشد می‌کند و چون نرخ سود اوراق مشارکت درصدی بیشتر از سود پس‌انداز است، این کار موجب رشد تورمی می‌شود.

هفتگی - ۸۰/۲/۱۷

ذبیح‌الله صفایی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه: بانکهای ایران در تولید و سرمایه‌گذاری مؤثر نیستند

باید به فعالیت‌های سالم اقتصادی که در اثر رقابت انجام می‌شود، سود تعلق بگیرد نه به خدمات، دلالی، انحصارگری در بازار و رانت‌خواری.

ذبیح‌الله صفایی، منشی کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی ضمن بیان این مطلب به خبرنگار پارلمانی ایستادگفت: در ایران

نرم افزارهای حقوقی و پرسنلی و همکاری فعال کارکنان بانک‌ها است.

تولیدی ۸۰/۲/۱۸

کاهش یک درصد سود بانکی تأثیری در تولید و اشتغال ندارد

تصمیم شورای پول و اعتبار برای کاهش یک درصد نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی، در فرآیند تولید و ایجاد اشتغال تأثیری نخواهد داشت.

خانم دکتر نظیفی، اقتصاددان و مدرس دانشگاه با تأکید بر اینکه هدف اصلی کاهش نرخ سود بانکی باید ایجاد رونق اقتصادی باشد، گفت: «استدلال این است که کاهش نرخ سود بانکی می‌تواند به سرمایه‌گذاری‌های جدید و همچنین حفظ سرمایه‌گذاری‌های موجود، در نهایت، رونق اقتصادی منجر شود.» وی افزود: «در شرایط کنونی، کاهش نرخ سود بانکی به شرطی می‌تواند به حفظ سرمایه‌های موجود کمک کند که بیش از یک درصد باشد.»

وی با اشاره به اینکه ۲۰ درصد هزینه‌های تولید مربوط به هزینه تأمین اعتبارات است، گفت: «تولیدکنندگان بخش عمده‌ای از هزینه‌های خود را از منابعی به جز بانک‌ها تأمین می‌کنند و کاهش یک درصد سود بانکی بسیار ناچیز است و نمی‌تواند اثری روی نرخ بهره بازار داشته باشد. پس هدف حفظ سرمایه‌های موجود و کاهش هزینه تأمین اعتبار نیز تحقق نخواهد یافت.» نظیفی در پایان یادآور شد: «سرمایه‌گذاری بیش از آنکه به نرخ سود بانکی ارتباط داشته باشد، به عوامل دیگری مانند امنیت سرمایه‌گذاری ارتباط دارد و کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی به تنهایی اثرگذار نیست.»

تولیدی ۸۰/۲/۱۹

پس از یک سال وقفه ایران امسال اوراق قرضه ارزی منتشر خواهد کرد

اوراق قرضه ارزی تا پایان شهریورماه از سوی بانک مرکزی منتشر و در بازارهای بین‌المللی عرضه می‌گردد.

به گزارش خبرنگار «نوسازی» مسؤلان بانک مرکزی به این نتیجه رسیده‌اند که ۳۰۰ میلیون دلار اوراق قرضه ارزی، که قرار بود تا

مهرماه سال گذشته منتشر کنند، در سال جاری به بازارهای بین‌المللی عرضه کنند.

گفتنی است رییس کل بانک مرکزی در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود اعلام کرد که با چند بانک خارجی مذاکراتی انجام داده‌ایم و به نتایج مثبتی هم دست پیدا کرده‌ایم.

او گفت: اگر شرایط بازارهای جهانی مناسب باشد، قطعاً در سال جاری این اوراق را عرضه خواهیم کرد...

گفتنی است یک هیأت کارشناسی ۱۰ نفره مسوول رسیدگی به این مسأله بوده است. هیأت مذکور با بررسی وضعیت بازارهای مالی برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی، نظر مثبت خود را اخیراً به بانک مرکزی اعلام کرد.

مکث ۸۰/۲/۲۲

بانک‌ها پس‌انداز مردم را در تولید وارد کنند

...در گفت‌وگویی کوتاه با دکتر عظیمی،



کارشناس ارشد اقتصادی به بررسی نرخ سود بانکی درایران پرداخته‌ایم.

● ارزیابی شما از کاهش یک درصدی نرخ سود بانکی چیست و نتایج این اقدام را چگونه می‌بینید؟

○ در ابتدا باید خاطر نشان کنم در مورد تأثیر کاهش یک درصدی نرخ سود بانکی در تولید نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرده، ولی این حرکت را می‌توان به عنوان نشانه‌ای از یک تغییر در جهت سیاست‌گذاری‌های مربوط به کارمزدهای بانکی تلقی نمود. کارمزدهای بالایی که دریافت‌کنندگان تسهیلات بانکی می‌پردازند، ناشی از این تفکر است که باید کارمزد بالاتر از نرخ تورم باشد و با نرخ تورم ۱۸ تا ۱۹ درصدی که می‌توان برای سال جاری پیش‌بینی کرد، کارمزدها باید بالای ۲۵ درصد باشد.

● یعنی شما این دیدگاه را که باید کارمزدهای بانکی برای جلب پس‌انداز بالاتر از نرخ تورم باشد، قبول ندارید؟

○ البته از نظر تئوری این مسأله صحیح است، ولی باید توجه داشت که اجرای این

سیاست زمانی مقبول است که هدف، کاهش نرخ تورم باشد، یعنی با تفکر بالا نگهداشتن نرخ بهره نباید به این مسأله نگاه کرد.

● به نظر شما، در آینده نرخ سود بانکی کاهش بیشتری پیدا می‌کند؟

○ همه چیز به آینده انتخابات ریاست جمهوری و سیاست‌های اقتصادی که رییس جمهوری آینده درپیش خواهد گرفت، بستگی دارد. پس نمی‌توان در این مورد اظهار نظر کرد.

● ارزیابی شما از واکنش مجلس در قبال نرخ سود بانکی و تلاش نمایندگان برای کاهش آن چیست؟

○ ببینید، در حال حاضر در مورد تلاش مجلس در جهت کاهش نرخ بهره که به نظر جدی هم می‌رسد، دو دیدگاه وجود دارد: اول این که، مجلس نباید در سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی و در کل سیستم بانکی دخالت کند و از سوی دیگر، سیستم بانکی کشور کاملاً دولتی است و بر اساس اختیارات مجلس که می‌تواند در امور مربوط به تمامی سازمان‌های دولتی نظارت و اعمال نظر کند، مجلس اجازه دارد که در مورد کاهش نرخ کارمزد بانکی اقدام کند. اما در هر صورت آنچه مسلم است، نرخ بهره بالا برای سرمایه‌گذاری زیان‌آور است.

● خود شما اشاره به مسأله جلب پس‌انداز در سیستم بانکی و نیاز این سیستم به نرخ کارمزدهای بالاتر از دو سوم تورم برای جلب پس‌انداز داشتید و کاهش نرخ کارمزدها فرار پس‌انداز بانکی را در پی خواهد داشت. سیستم بانکی به نظر شما برای جبران خسارت ناشی از این مسأله چه راه حلی پیش رو دارد؟

○ زیان سیستم بانکی از کاهش نرخ کارمزد در واقع نشان دهنده این مسأله است که سیستم بانکی تلاش خود را متوجه جذب سرمایه‌های متمرکز کرده است، در حالی که صاحبان سرمایه‌های متمرکز نیازی به دریافت کارمزد بانکی ندارند و درواقع، همین سرمایه‌ها است که باید در چرخه تولید وارد شود.

اما وظیفه اصلی سیستم بانکی ساماندهی و تجهیز سرمایه‌های کوچکتر است و اگر سیستم بانکی برای جبران خسارت ناشی از خروج سرمایه‌های متمرکز از بانک‌ها بر روی یافتن راه‌های مناسب برای جذب سرمایه‌های کوچکتر کار کند، هم نقش واقعی خود را در چرخه اقتصاد برعهده گرفته و هم خسارات خود را کاهش داده است.

بدهی خارجی کشور؛ کاهش یا افزایش؟

دکتر محمدحسین ادیب

۱- بانک مرکزی بدهی خارجی کشور در اسفند ۱۳۷۹ را ۷/۸ میلیارد دلار اعلام نمود.
۲- جدول ذیل بدهی خارجی کشور از سال ۱۳۷۲ تاکنون را نشان می‌دهد:

سال	میزان بدهی خارجی (به میلیارد دلار)
۱۳۷۲	۲۳/۱
۱۳۷۳	۲۲/۷
۱۳۷۴	۲۱/۹
۱۳۷۵	۱۶/۸
۱۳۷۶	۱۲/۱
۱۳۷۷	۱۴/۱
۱۳۷۸	-
۱۳۷۹	۷/۸

۳- بر بنیاد جدول فوق، مسوولان بانک مرکزی ادعا می‌کنند که بدهی خارجی کشور شدیداً کاهش یافته است.

۴- مسوولان بانک مرکزی، کاهش بدهی خارجی را یکی از دستاوردهای مهم چهار سال اخیر ارزیابی می‌کنند.

۵- تا پایان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در ایران، بدهی بابت بیع متقابل جزو بدهی خارجی کشور محاسبه می‌شد. بنابراین، آن هنگام که در سال ۱۳۷۶ بدهی کشور ۱۲/۱ میلیارد دلار اعلام می‌شود، در واقع، ۱۲/۱ میلیارد دلار کل بدهی کشور با لحاظ کردن بدهی بابت بیع متقابل می‌باشد.

۶- اما به تدریج از اوایل فعالیت دولت خاتمی، محاسبه بدهی بابت بیع متقابل از رقم کل بدهی خارجی کشور حذف شد. به عبارت دیگر، وقتی اعلام می‌شود که بدهی خارجی کشور ۷/۸ میلیارد دلار است، این رقم بدهی کشور منهای بدهی بابت بیع متقابل می‌باشد.

۷- از سال ۱۳۷۶ تاکنون ۱۱/۵ میلیارد دلار در چارچوب بیع متقابل در کشور سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده است.

۸- با لحاظ کردن بهره بیع متقابل، جمع بدهی کشور بابت بیع متقابل ۲۳ میلیارد دلار است.

۹- در واقع، اگر بخواهیم کل بدهی خارجی

کشور را محاسبه کنیم، رقم بدهی کشور در پایان سال ۱۳۷۹ حدود ۳۰/۸ (۲۳+۷/۸) میلیارد دلار می‌باشد.

۱۰- بدهی خارجی کشور از ۱۲/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۶، به ۳۰/۸ میلیارد در سال ۱۳۷۹ افزایش یافته است.

۱۱- ماحصل کلام اینکه، بدهی خارجی کشور در سال ۱۳۷۹ در مقام مقایسه با سال ۱۳۷۶ بیش از دو برابر شده است.

۱۲- سرانجام اینکه، برای بالانشان دادن کارایی، استفاده از قلت اطلاعات افکار عمومی، روش مثبتی ارزیابی نمی‌شود.

حیات نو - ۸۰/۲/۲۴

معاون ارزی بانک مرکزی:
سررسید بدهی‌های امسال ایران فقط ۳۰۰ میلیون دلار است

کار تدوین شرایط ایران درخصوص چگونگی انتشار اوراق قرضه ارزی برای ابلاغ به



بانک‌های جهانی در دستور کار کمیته تخصصی بررسی شرایط انتشار اوراق قرضه ارزی قرار گرفت.

دکتر جعفر مجرد، معاون ارزی بانک مرکزی در گفتگو با خبرنگار ما با اعلام این مطلب افزود: «در حال حاضر، فهرستی از بانک‌هایی که در بازارهای مالی دنیا نسبت به انتشار اوراق قرضه موفق بوده‌اند، تهیه کرده‌ایم و قرار است تعدادی از آنها را برای بررسی این مورد خاص به ایران دعوت کنیم. او که در حاشیه یازدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی سخن می‌گفت، ادامه داد: تنها بانک‌هایی انتخاب می‌شوند که درجه اعتبار و توانایی بالایی داشته باشند، اما در حال حاضر نمی‌توانم نام بانک‌ها را عنوان کنم، زیرا هنوز کمیسیون انتخاب بانک‌های خارجی واجد شرایط تشکیل نشده که قطعاً پس از انتخاب بانک یا بانک‌های خارجی نام آنان اعلام خواهد شد.»

معاون ارزی بانک مرکزی افزود: «تدوین شرایط لازم برای چگونگی انتشار اوراق قرضه ارزی در نیمه اول سال به پایان می‌رسد و در

صورت مناسب بودن وضعیت بازارهای بین‌المللی، مهرماه سال جاری ۳۰۰ میلیون دلار اوراق قرضه ارزی منتشر خواهیم کرد...»

او اضافه کرد: «بحران سال‌های ۷۱ و ۷۲ سبب شد کشور با بدهی‌های معوقه فراوانی مواجه شود و همین مسأله ریسک سرمایه‌گذاری در کشور را افزایش داد، اما در شرایط فعلی و با توجه به ابفای تعهد خارجی، کمتر بانکی را سراغ داریم که نسبت به بازپرداخت تعهدات خارجی ایران شک داشته باشد.»

او گفت: «فقدان نظام اطلاعات ارزی تا سال ۱۳۷۳ یکی از عوامل بروز بحران بدهی‌های معوقه بود که خوشبختانه در حال حاضر این نظام تدوین شده است و براساس جداول گردش نقدینگی موجود در سال جاری ۳۰۰ میلیون دلار بیشتر سررسید بدهی نداریم.»

حیات نو - ۸۰/۲/۲۹

آشتی بزرگان

...در مراسم افتتاحیه یازدهمین همایش سیاست‌های پولی و ارزی دکتر حسین نمازی، وزیر امور اقتصاد و دارایی کاهش یک درصدی سود سپرده‌ها و تسهیلات را مدح کرد و سیاست تثبیت نرخ ارز را ستود. او یک بار به علت اینکه در جلسه هیأت وزیران با پایین آمدن نرخ دلار از سطح ۸۰۰ تومان مخالفت کرده بودند، این جلسه را ترک کرده بود، اما چرا این بار دست به ستایش سیاست تثبیت زد، جزو اسراری است که شاید آیندگان از آن آگاه شوند.

پس از آنکه نمازی سخنرانی افتتاحیه خود را در میان حضار به پایان رساند، همه چشم‌ها به محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی خیره شد تا مثل همیشه در لفافه و ابهام و ابهام بنا نمازی به مخالفت بپردازد. اما ناگهان این طور نشد و محسن نوربخش با یک چرخش ۱۸۰ درجه از کاهش نرخ سود سپرده‌ها ابراز رضایت کرد و هیچ حرفی نزد که بشود آن را علیه نمازی تفسیر کرد. این عقبگرد حیرت‌آور او در آستانه انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری نشان داد که او واقعاً آراگزار است برای همه دولت‌ها. نمازی و نوربخش که با هم وارد این همایش شده بودند، دوش به دوش هم جلسه را ترک کردند تا شاید به حرف و اختلاف این دو مقام ارشد و کلیدی اقتصاد ایران پایان داده شود، البته شاید هم به توصیه آقای رییس جمهور عمل کرده‌اند. به هر حال، خیر است انشاءالله. ■

پول



پول از دوران‌های بسیار دور تا امروز در هر یک از جوامع بشری راهی طولانی و پرفرازونشیب را طی کرده است و شرح همه آن ماجراها بسیار طولانی خواهد شد، اما آنچه به‌طور مختصر قابل ذکر است، این است که این پدیده که تقریباً مورد علاقه همه آدم‌ها بوده است، گام به گام با نسل‌ها در جوامع بشری زندگی کرده و در نتیجه، تحت تأثیر عوامل مختلف قرار گرفته و دست به دست چرخیده و به تدریج، دچار تغییرات کمی و کیفی و شکلی و ماهوی شده است تا امروز که می‌بینیم جهان و جهانیان در انتظار تولد نسل جدیدی از این موجود هستند به نام پول الکترونیکی. قسمت‌هایی از این موضوع را در شماره‌های قبلی ملاحظه کرده‌اید و اینک به بررسی کوتاه

سیر تحولات پول در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

بانک و اقتصاد

بررسی روند متغیرهای پولی و اعتباری در سال‌های بعد از انقلاب دگرگونی و نوسانات نسبتاً شدیدی را نشان داده که عمدتاً ناشی از تحولات سیاسی و اقتصادی حادث در کشور بوده است.

ملی کردن بانک‌ها، درحقیقت، از مهمترین رویدادهای پولی و بانکی در اقتصاد ما بحساب می‌آید که در تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۸ بوقوع پیوست. با ملی شدن بانک‌ها، جمعاً ۲۸ بانک که ۱۳ عدد آنها با مشارکت خارجیان بوجود آمده بودند، ملی اعلام شدند (جدول شماره یک).

تا پایان بهمن ماه ۱۳۵۷، مجموع سرمایه پرداخت شده بانک‌های مزبور حدود ۱۱۱/۴ میلیارد ریال بود که حدود ۱۳ درصد به عبارت دیگر، ۱۴ میلیارد ریال آن به خارجیان تعلق داشت. بانک‌های ملی شده در مقابل، ۱۰ میلیارد ریال دارایی خارجی و ۱۸۶ میلیارد ریال بدهی خارجی داشتند.

اعتبارات داده شده به وسیله بانک‌هایی که ملی شده بودند، به رقمی حدود ۱۰۴۵ میلیارد ریال بالغ می‌شد، ولی این بانک‌ها حدود ۱۱۳ میلیارد ریال به بانک مرکزی و ۴۵ میلیارد ریال به دولت بدهکار بودند. از سوی دیگر، ۱۰۴ میلیارد ریال نزد بانک مرکزی و ۱۲۸ میلیارد ریال نزد دولت داشتند که این منابع شامل سپرده قانونی و اوراق قرضه بوده است.

وضعیت شبکه بانکی در زمان ادغام بانکها

نام بانک	نوع فعالیت	بانکهای ادغام شده
ملی ایران	تجاری	این بانک با وضعیت قبلی به فعالیت خود ادامه داد
سپه	تجاری	این بانک با وضعیت قبلی به فعالیت خود ادامه داد
رفاه کارگران	تجاری	این بانک با وضعیت قبلی به فعالیت خود ادامه داد
ملت	تجاری	اعتبارات، تعاونی نوزیع، ایران و عرب، بیمه ایران، بین‌المللی ایران، پارس، تجارت خارجی ایران، تهران، داریوش، عمران، فرهنگیان
تجارت	تجاری	شهریار، صنایع ایران، کار، روس و ایران، ایرانیان، ایران و خاورمیانه، ایران و انگلیس، اعتبارات ایران، بازرگانی ایران، بین‌المللی ایران و ژاپن، تجارت، ایران و هلند، اصناف ایران (ایران‌شهر)
صادرات	تجاری	گسترش آذربایجان، گسترش خزر، گسترش خوزستان
صنعت و معدن	تخصصی	اعتبارات صنعتی، توسعه صنعتی و معدنی ایران، توسعه و سرمایه‌گذاری ایران
کشاورزی	تخصصی	تعاون کشاورزی ایران، توسعه کشاورزی ایران
مسکن	تخصصی	رهنی ایران، ساختمان

۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به ترتیب به ۲۵۴ میلیارد ریال و ۸۷۷/۲ میلیارد ریال رسید، ولی برخلاف دولت، خالص بدهی‌های مؤسسات وابسته به دولت حدود ۸۷ میلیارد ریال کاهش یافت که البته، کاهش بدهی‌های مؤسسات وابسته به دولت در سال ۱۳۵۹، ناشی از کاهش تقاضا برای وام و اعتبارات بانکی جهت سرمایه‌گذاری‌های ثابت و فعالیت‌های تولیدی این شرکت‌ها می‌باشد.

حجم پول و مقدار نقدینگی

در سال‌های قبل از انقلاب، سهم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص کم شده و به مقدار سپرده افزوده شده بود، اما با شروع انقلاب، سهم اسکناس و مسکوک نسبت به نقدینگی افزایش یافت، ولی در سال ۱۳۵۸ همزمان با اعاده نسبی اعتماد مردم و برگشت سپرده، نتیجه این شد که ترکیب نقدینگی تغییر کرد و سهم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص از ۳۱/۱ درصد در سال ۱۳۵۷، به ۲۶/۱ درصد در سال ۱۳۵۸ رسید. توضیح اینکه سهم اسکناس و مسکوک در دست اشخاص نسبت به کل نقدینگی در سال ۱۳۵۶ حدود ۱۶ درصد بوده است. سهم حجم پول و نقدینگی هم از حدود ۴۸ درصد در سال ۱۳۵۷، به ۴۴/۹ درصد در سال ۱۳۵۸ رسید. به علاوه، در سال ۱۳۵۸ سهم اجزای شبه پول تغییر کرد و سهم سپرده‌های پس‌انداز در نقدینگی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشت که دلیل این امر، عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به آینده و ترجیح نقدینگی بیشتر است.

سپس با آغاز جنگ تحمیلی، در آبان ماه ۱۳۵۹ بانک مرکزی مبلغ ۱۹۳ میلیارد ریال اسکناس چاپ کرد و ذکر این نکته نیز حایز اهمیت است که به علت کاهش معاملات به وسیله چک و سفته، بانک مرکزی لازم بوده است که بر مقدار اسکناس در جریان بیفزاید.

حجم پول طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ با رشدی به مراتب سریعتر از شبه پول رو به افزایش گذاشت و در نتیجه، سهم آن در کل نقدینگی بخش خصوصی از ۳۷/۷ درصد در سال ۱۳۵۶، به ۵۰/۱ درصد در سال ۱۳۵۹ رسید.

جدول شماره دو نمایانگر مقدار حجم پول و نقدینگی می‌باشد.

و مقرر شد که برای سرمایه‌گذاری مستقیم (صددرصد) بانک‌ها علاوه بر در نظر داشتن اینکه سرمایه‌گذاری مربوطه باید مورد نیاز کشور بوده باشد، باید نرخ بازده سرمایه‌گذاری (نرخ بازده داخلی) نیز حداقل ۱۲ درصد باشد. ضمناً، بانک‌ها می‌توانند به میزان حداکثر ۴۹ درصد سرمایه در هر طرح مشارکت کنند. در مؤسسات تولیدی و خدماتی جدید نیز که بانک‌ها در آن‌ها مشارکت می‌کنند، باید سهم شرکا (بانک و دیگران) حداقل ۳۰ درصد و قسمت وامی آن حداکثر ۷۰ درصد باشد و بانک نسبت به مشارکت خود در مدیریت واحد سهم خواهد بود.

باید اشاره کرد که در سال‌های بعد از انقلاب و به خصوص سال ۱۳۵۹ به دلیل کاهش درآمدهای عمومی و عدم تغییر هزینه‌های دولت ناشی از جنگ تحمیلی، سریعاً اتکای دولت به منابع مالی نظام بانکی افزوده شد و در نتیجه، خالص بدهی دولت به نظام بانکی که در سال ۱۳۵۷ مبلغ ۲۳۴/۶ میلیارد ریال بود، در سال

ذکر این نکته جالب است که بانک‌ها در گذشته با وجود راه‌های متعددی که برای گریز از مالیات در اختیار داشتند و از طرف آنها اعمال می‌شد، به‌طور متوسط بیش از ۲۰ درصد نسبت به سرمایه پرداخت شده خود سود می‌بردند، یعنی تقریباً ظرف مدت ۵ سال می‌توانستند سرمایه پرداخت شده را جبران کنند.

از هدف‌های مهم ملی کردن بانک‌ها، ایجاد وضعیت مناسب برای سوق دادن فعالیت‌های اقتصادی به سوی هدف‌های اساسی کشور و همچنین، تنظیم وام‌ها و اعتبارات بر حسب نیاز و لزوم بوده است.

بنا توجه به اینکه بعد از انقلاب، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده بود، این نیاز احساس شد که باید بانک‌ها نقش فعالتر و ثمربخش‌تری را در زمینه راه‌اندازی فعالیت‌های خودکفایی اقتصادی ایفا کنند. بدین ترتیب، در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۲۹ شورای عالی بانک‌ها سیاست خط مشی سرمایه‌گذاری و مشارکت بانک‌ها را تصویب کرد

نقدینگی بخش خصوصی بر حسب پول و شبه پول

(میلیارد ریال)

سال	۱۳۵۱	۱۳۵۶	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹
حجم پول (جمع اسکناس و مسکوک در دست مردم و سپرده دیداری)	۱۵۸/۷	۷۹۰/۵	۱۲۳۶/۵	۱۶۶۵/۸	۲۲۰۶/۵
اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	(۶۶/۴)	(۳۲۵/۵)	(۸۰۲/۷)	(۹۲۷/۹)	(۱۲۳۴/۴)
سپرده دیداری	(۹۲/۳)	(۴۶۵)	(۴۳۳/۸)	(۷۳۷/۹)	(۹۷۲/۱)
شبه پول (جمع سپرده پس انداز و سپرده مدت دار)	۲۴۰/۷	۱۳۰۶/۵	۱۳۴۲/۱	۱۸۸۴/۲	۲۱۳۴/۵
سپرده پس انداز بخش خصوصی	(۱۲۲/۳)	(۶۴۵/۶)	(۶۷۹/۶)	(۱۲۹۳/۳)	(۱۵۱۳/۶)
سپرده مدت دار بخش خصوصی	(۱۱۸/۴)	(۶۶۰/۹)	(۶۶۲/۵)	(۵۹۰/۹)	(۶۲۰/۹)
نقدینگی بخش خصوصی	۳۹۹/۴	۲۰۹۷	۲۵۷۸/۶	۳۵۵۰	۴۳۴۱

نقدینگی بخش خصوصی = حجم پول + شبه پول
مأخذ: آمارهای بانک مرکزی

بحثی در باره عرضه پول و پایه پولی

اکنون که سیر تحولات پول به پایان خود نزدیک می‌شود، لازم است به موضوع عرضه پول و عوامل مؤثر بر آن هم نگاهی بیندازیم. در این زمینه لازم به توضیح نیست که اصولاً عرضه پول در جامعه می‌تواند قیمت‌ها را به نحو قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، عرضه پول آثار قابل توجهی بر روی دیگر عوامل اقتصادی خواهد داشت. بدین لحاظ، عرضه پول را از جمله شاخص‌های کلان عمده و مهم بشمار می‌آورند و در نتیجه، سیاست‌های گوناگون و متعددی اتخاذ می‌شود تا عرضه پول و نقدینگی به عنوان دو متغیر عمده اقتصادی به نحوی مطلوب جهت داده شوند.

در مورد عوامل عرضه پول لازم به ذکر است که بانک مرکزی تنها عرضه کننده پول نیست. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه عرضه پول با حجم پول در گردش، ترکیبی از مجموع مقادیر اسکناس و مسکوک در گردش، به علاوه حجم سپرده‌های دیداری جامعه می‌باشد، لذا نمی‌توان بانک مرکزی را تنها عامل اثرگذار بر عرضه پول و نقدینگی بشمار آورد، بلکه در کنار بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و مردم هم در این امر اثر دارند. حال، برای شناخت بیشتر اجزای تشکیل دهنده عرضه پول، بهتر است به ترازنامه بانک مرکزی اشاره شود. در واقع، بانک مرکزی با در اختیار داشتن پشتوانه لازم، اقدام به انتشار اسکناس می‌کند. در این راستا، از یک سو

اسکناس و مسکوک در گردش، به علاوه ذخایری که بانک‌ها نزد بانک مرکزی می‌سپارند، بدهی بانک مرکزی به حساب می‌آید. از سوی دیگر، طلا و ارز و بدهی دولت و بانک‌ها، در زمره دارایی بانک مرکزی قرار می‌گیرد. اصطلاحاً به مجموع ستون بدهی‌های بانک مرکزی «پایه پولی» گفته می‌شود. به عبارت دیگر، پایه پولی شامل بدهی بانک مرکزی به بخش‌های خصوصی (که همان اسکناس و مسکوک در دست مردم است) و بانکی (که همان نقدینگی در صندوق بانک‌ها و سپرده‌های قانونی و آزاد بانک‌ها نزد بانک مرکزی است) می‌شود. البته پایه پولی را به نحو دیگری نیز می‌توان تعریف کرد و آن عبارت است از حاصل جمع دارایی‌های خارجی و داخلی بانک مرکزی، یعنی پایه پولی وسیله پرداختی است که به واسطه آن، بانک مرکزی دارایی‌های خارجی (ارز، طلا و غیره) و داخلی (مطالبات بخش دولت و شبکه بانکی) خود را خریداری می‌کند. علاوه بر این، روش دیگری نیز برای بیان پایه پولی وجود دارد و آن این است که پایه پولی را به صورت منابع و مصارف متمایز می‌کنند. بدین ترتیب، منابع پایه پولی عبارت خواهند بود از: دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی و مطالبات بانک مرکزی از بانک‌ها. مصارف پایه پولی نیز عبارتند از: اسکناس و مسکوک در دست مردم، اسکناس و مسکوک نزد بانک‌ها و سپرده‌های قانونی و آزاد بانک‌ها نزد

بانک مرکزی.

بررسی اطلاعات مربوط به منابع و مصارف پایه پولی ایران برای سال‌های ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۷۲ نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۲ پایه پولی از ۱۸۸/۳ میلیارد ریال، به ۱۷۶۸۷ میلیارد ریال افزایش یافت. بررسی پایه پولی از بُعد منابع نشان می‌دهد که در سال‌های قبل از انقلاب، خالص دارایی‌های خارجی و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی تأثیر افزایشی بر پایه پولی داشته‌اند، به طوری که دارایی‌های خارجی بانک مرکزی از ۱۴۲/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲، به ۸۰۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. در همین مدت، خالص بدهی بخش دولتی علاوه بر اینکه از روند نزولی برخوردار بوده و تأثیر منفی بر پایه پولی گذاشته، از ارقام منفی نیز برخوردار بوده است و همین امر موجب شده که در سال‌های قبل از انقلاب، تغییرات خالص دارایی‌های خارجی همواره بیش از تغییرات پایه پولی باشد و مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی از ۶۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷، به ۲۱۱۷۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ افزایش یابد. طی تحقیقات بعمل آمده، در مجموع می‌توان اظهار داشت که افزایش خالص دارایی‌های خارجی در سال‌های قبل از انقلاب و افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی پس از انقلاب، عامل اصلی افزایش پایه پولی بوده است.

در صورتی که از بُعد مصارف به پایه پولی نظر افکنیم، ملاحظه می‌کنیم که در سال‌های قبل از انقلاب، سهم اسکناس و مسکوک در گردش و سهم سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی در کل پایه پولی برابر بوده است، ولی پس از انقلاب و به خصوص در سال ۱۳۵۷ به دلیل تزلزل اعتماد مردم به نظام بانکی، بر سهم اسکناس و مسکوک در دست مردم به ضرر سپرده‌های بانک‌ها نزد بانک مرکزی افزوده شد، ولی بعد با تقویت اعتماد به نظام بانکی، در روند فوق چرخشی به نفع سهم سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی ملاحظه شد، به طوری که در سال ۱۳۷۰، نزدیک ۶۰ درصد از پایه پولی را سپرده بانک‌ها نزد بانک مرکزی و حدود ۴۰ درصد آن را اسکناس و مسکوک در دست مردم تشکیل می‌داد.

شایان ذکر است که در بررسی منابع پایه پولی باید به نقش بدهی دولت به بانک مرکزی در کل پایه پولی نیز توجه داشت. بودجه دولت در سال‌های قبل و بعد از انقلاب، خصوصاً بعد از

○ **افزایش خالص دارایی های خارجی در سال های قبل از انقلاب و افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی در سال های بعد از انقلاب، عامل اصلی افزایش پایه پولی بوده است.**

انقلاب، عمدتاً دچار عدم تعادل بود و به دلیل فزونی پرداخت ها نسبت به دریافت ها، تورم با کسری بوده است. علی رغم افزایش قیمت نفت از سال ۱۳۵۳ به بعد، بودجه دولت به دلیل رشد هزینه های دولت دچار کسری شد. پس از انقلاب نیز به واسطه کاهش درآمدهای نفتی از یک سو، و افزایش مخارج دولت به دلیل گسترش نقش اقتصادی دولت و همچنین، مخارج مربوط به

جنگ، مهاجران جنگی و افغانی، ایجاد کارگاه های جدید و افزایش کارکنان بخش دولتی، کسری بودجه با شدت بیشتری ادامه داشت. از سوی دیگر، منابع عمده تأمین کسری بودجه عبارتند از وام و اعتبارات داخلی و خارجی، برگشتی از بودجه سال قبل و مواردی چون پیش دریافت فروش نفت. قبل از انقلاب، وام و اعتبارات خارجی و فروش اوراق قرضه درکنار استقراض از نظام بانکی بر روی هم کسری دریافت های بودجه دولت را تأمین می کردند، ولی بعد از انقلاب به واسطه خط مشی دولت در زمینه استقلال از بازارهای پولی خارجی، تصمیم گرفته شد که از وام های خارجی استفاده نشود. همچنین، در سال های پس از انقلاب به دلیل کوشش برای حذف ربا، از انتشار اوراق قرضه جدید ممانعت بعمل آمد و لذا یکی دیگر از

شقوق تأمین کسری بودجه موضوعیت خود را از دست داد.

با نفی استفاده از اعتبارات خارجی و اوراق قرضه در تأمین کسری بودجه، دولت ناگزیر به سایر منابع، به خصوص استقراض از نظام بانکی روی آورد و در نتیجه، طی سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ همواره بیش از ۵۰ درصد کسری بودجه از طریق استقراض از نظام بانکی تأمین شده و در بعضی سال ها مانند سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ این رقم به بیش از ۹۰ درصد افزایش یافته است. بر این اساس، می توان به تأثیر فوق العاده زیاد کسری بودجه در انبساط نقدینگی بخش خصوصی، به ویژه در سال های بعد از انقلاب آگاه شد. ■

با استفاده از کتاب اقتصاد پول و بانکداری / دکتر ایرج توتونچیان

بقیه از صفحه ۲۳

بازارهای پولی و مالی سوءاستفاده از قدرت و اطلاعات نیست، بلکه استفاده صحیح از قدرت است که یک بانک مرکزی در اختیار دارد. ■

زیرنویس ها

(۱) معاملات اختیاری (Option) به صورت های مختلف وجود دارد. در بعضی از انواع آنها شرکت کننده در بازار اوراق بهادار می تواند سهام را پیش فروش یا پیش خرید کند. در حالت اول، به امید اینکه در آینده نرخ سهام کاهش می یابد و او می تواند سهام را ارزانتر خریداری کند و تحویل دهد؛ در حالت دوم، امید دارد که نرخ سهام در آینده افزایش پیدا کند؛ از این جهت، اکنون پیش خرید می کند و بعداً پس از پرداخت بقیه قیمت، سهام را تحویل خواهد گرفت.

(۲) به دلیل اینکه اوراق قرضه می بایستی نرخ بهره و یا درآمد بیشتری را برای صاحبان آن ممکن سازند تا تورم بدینوسیله جبران شود.

تعجب انگیزی حرکت کنند، مانند بازارهای سهام اروپا و آمریکا در اوایل سال ۲۰۰۰ به خصوص در ماه فوریه که برای تغییرات قیمت سهام دلایل قانع کننده ای وجود نداشت. بانک های مرکزی موظف هستند که به دلیل داشتن ابزار و توانایی های لازم برای واقع گرایی بازارها اقدام کنند، هرچند که ممکن است این اقدام مورد قبول همه نباشد. مثلاً در اوایل ماه فوریه سال ۲۰۰۰ رئیس بانک مرکزی آمریکا اعلام کرد که به دلیل اینکه در آن زمان افزایش بی رویه نرخ سهام در بازار بورس وال استریت (در نیویورک) باعث عدم تعادل در بخش اقتصاد کالایی (واقعی) می شود، بانک مرکزی آمریکا نرخ بهره را تا زمانی افزایش می دهد که تفکر سالم جایگزین حرکت غیرعقلایی بازار که افزایش قیمت سهام را باعث شده است، گردد. به عنوان دلیل برای این نوع عکس العمل های بانک های مرکزی نیز می توان اظهار کرد که دخالت در

رابطه سیاست پولی با عرضه و تقاضای بازار

برگه اشتراک

تاریخ

نام و نام خانوادگی مشترک:

سن: تحصیلات:

شغل:

شماره های درخواستی: از شماره

تا شماره

نشانی پستی:

شماره تلفن تماس:

مشترک گرامی

* هزینه اشتراک مجله برای شش ماه ۱۸۰۰۰ ریال و برای یک سال ۳۶۰۰۰ ریال است. لطفاً هزینه اشتراک را به حساب بانکی شماره ۲۷۸۹۰۳۰۰۱ نزد شعبه سامان بانک تجارت (کد ۳۲۴) واریز کنید و فتوکپی رسید بانکی را همراه با برگه اشتراک تکمیل شده به نشانی زیر بفرستید:

تهران/ خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران / ۱۴۱۵۵-۵۵۴۸